

بررسی وضعیت

مدارس

خصوصی و دولتی

در تاریخ و تمدن اسلامی

محمد غفاری نژاد

فهرست مطالب

چکیده

.....

1

مقدمه

.....

2

سیر تحول نهادهای آموزشی در ادوار مختلف تاریخ تمدن اسلامی

4

1- عصر نبوت (از ابتدا تا سال 11 هجری)

2- عصر خلفای راشدین (11-41 هجری)

3- عصر امویان (41-132 هجری)

4- سیر تحول آموزش در عصر عباسیان (132-656)

• علل افزایش و توسعه علم در دوره عباسیان

نهادهای آموزشی در تمدن اسلامی

.....

10 .

1- مسجد

2- زاویه

3- مکتب و کتاب (مکتبخانه ها)

4 - بیت الحکمه ها

5 - دارالعلم ها

6 - جامعه ها

7- رباط

8- خانقاه ها

9- خانه دانشمندان

10- کتابفروشی

11 - بیمارستان های آموزشی

12- مدارس خصوصی و دولتی در جهان اسلام

معنی لغوی و مفهوم مدارس در اسلام

..... الف

14

ب

- ریشه لغوی واژه مدرسه
- ریشه مفهوم مدرسه و تطّور آن

اقسام مدارس

.....

18

الف- مدارس خصوصی

ب- مدارس دولتی

برخی از مدارس بزرگ جهان اسلام

23

1- مدارس بغداد

2- مدارس ایران

3- مدارس مصر

4- مدارس شام

5- مدارس مغرب

6- مدارس اندلس

7- مدارس شیعیان

8 - نظامیه ها

- انگیزه ها در تشکیل نظامیه ها
- نقش نظام الملک در نهضت تاسیس مدارس

مواد درسی مدارس

.....

35

روش های تدریس

.....

36

وظایف متقابل استاد و شاگرد در مدارس دولتی

38

الف. وظایف شاگرد نسبت به ب

ب. وظایف معلم نسبت به شاگرد

آثار و دستاوردهای مثبت و منفی نظامیه ها

39

الف. پیامدهای مثبت

ب. پیامدهای منفی

ج. نتیجه گیری

ج

د

چکیده

عنایت ویژه دین مبین اسلام به علم و عالم و تعلیم و تربیت و قلم و نوشتن باعث علاقه‌مندی مسلمین نسبت به ایجاد مکان‌های آموزشی و مدارس و توسعه آن می‌گردید. مهم‌ترین روش پیامبر اسلام^(ص) و ائمه اطهار^(ع) روش عملی بود، که خود به آنچه می‌گفتند، عمل می‌کردند. آنان با تربیت شاگردان ممتاز و تعلیم و تبیین اسلام مسئولیت خطیرشان را به نحو احسن انجام دادند.

مساجد در طول اسلام به عنوان یکی از مراکز عمده تعلیم و تربیت محسوب می‌شدند. توسعه مساجد در عصر خلفا و به وجود آمدن مساجد بزرگ که عنوان جامع داشت نقش عمده‌ای در تعلیم و تربیت و توسعه علم و دانش به ویژه علوم دینی در بر داشت. همچنین تأسیس مکتبخانه‌ها گامی در پیشبرد تعلیم و تربیت بود و زمینه را برای خواندن و نوشتن و توجه به احکام دین و قرآن و برخی موارد دیگر به وسیله معلمین مربوطه آن فراهم کرد. پس از تأسیس بیت‌الحکمه و آغاز نهضت ترجمه و اقبال مسلمانان به ترجمه کتب علمی که مربوط به سایر ملل بود، و همچنین تعدد مکتب‌های فلسفی و مذهبی و ضرورت تعلیمات کلاسیک، در کنارافزایش طلاب و دانشجویان ضرورت نهضت احداث مدارس را فراهم کرد. این امر از اواخر قرن سوم هجری شدت گرفت. احداث نظامیه‌ها نیز باعث پدید آمدن یک رقابت شدید برای گسترش و توسعه مدارس گردید، به طوری که از نیمه دوم قرن پنجم هجری، تا حمله مغول در نیمه دوم قرن هفتم مدارس زیادی در کشور پهناور اسلامی دایرگردید. این مدارس رومی توان به مدارس خصوص و دولتی تقسیم نمود.

مطالب جمع‌آوری شده در این نوشته در پی آن است، تحقیق ارائه شده در حضور استاد دکتر جلیلی را در مبحث تاریخ تعلیم و تربیت در اسلام که به بررسی "مدارس خصوصی و دولتی در تمدن اسلامی" پرداخته و فرضیه وجود، فعالیت و اهداف آنها را به اثبات رسانده و همراه با جایگاه آن در تمدن اسلامی ترسیم نماید.

کلید واژه:

تمدن اسلامی - مدارس خصوصی - مدارس دولتی - روشهای تعلیم و تربیت

مقدمه

یکی از مسائل بسیار مهمی که در دین اسلام همواره از ارزش و اهمیت فراوانی برخوردار بوده است، علم و تعلیم و تربیت است. با بررسی کلی روی مکاتب گوناگون درباره توجه به علم و دانش، بر ما روشن می گردد که اسلام بیشترین تأکید را نسبت به علم و دانش داده و جایگاه رفیعی را برای تعلیم و تربیت قائل شده است. نخستین آیاتی که در سوره علق بر وجود مقدس رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم) نازل شده، سخن از علم و دانش و توجه به این مهم را در برداشت. مسئله بسیار جالب این جا است که پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) (امّی) و درس نخوانده بود و محیط حجاز را سراسر جهل و نادانی و خرافات فرا گرفته بود. در این آیات تأکید بر مسئله علم و قلم شده است که بلافاصله بعد از نعمت بزرگ خلقت و آفرینش در این آیات ذکر گردیده است.

با توجه به آیه 2 سوره جمعه که خداوند می فرماید: (هو الذی بعث فی الامیین رسولاً منهم یتلوا علیهم آیاته ویزکیهم و یعلمهم الکتاب والحکمه وان کانوا من قبل لفی ضلال مبین) به این مطلب پی می بریم که تعلیم و تربیت یکی از اهداف انبیاء بوده است.

آموزش و تعلیم و تربیت با دعوت پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) نخستین معلم و مربی مسلمانان از مسجد که در واقع اولین پایگاه تعلیمات اسلامی بود آغاز گردید. بعد از وجود مقدس پیامبر ائمه اطهار (علیهم السلام) در راستای تحقق آرمانهای الهی پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) که یکی از آنها تعلیم و تربیت است، تلاش های طاقت فرسای را به جان خریدند تا انسان ها را هدایت نمایند. توجه فوق العاده آیات الهی به علم و عالم و تعلیم و تربیت و تفکر و توجه به قلم و نوشتن، زمینه توجه مسلمانان را نسبت به ایجاد مدارس، کتابخانه ها و توجه به علوم و صنایع و انتشار آن فراهم نمود و آنان را برای رسیدن به این امر مهم تشویق کرد.

رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) تعلیمات خود را براساس اوضاع اجتماعی و با روش های خاصی انجام می دادند. نخستین جلسات تعلیمی آن حضرت، با تعلیم قرآن شروع شد. برای اولین بار که مسجد مدینه تأسیس شد، مرکز آموزش قرآن و تعلیم و تربیت اسلامی قرار گرفت. پیامبر معارفی ارائه می فرمودند که در اندک زمانی توانستند از ملتی

عقب مانده، جامعه ای زنده ، آگاه و مسئول بسازند که قرن ها بزرگترین تمدن بشری را سکان داری نمایند. تعلیمات آن حضت به صورت احکام حقوقی و گاهی به صورت مباحث اخلاقی مطرح می شد. منبع محتوای تربیتی او (قرآن) رفتار و عقل کامل وی نیز روش مناسبی برای اشاعه دین بود. مسجد النبی نخستین آموزشگاه علوم از زمان پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) بود.

پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) روش های متعددی برای تعلیم و تبلیغ و ارشاد استفاده می کرد که برخی از آنها عبارتند از :

1. تلاوت آیات قرآنی.
2. خطابه و موعظه.
3. اعزام معلم و مبلغ به اطراف.
4. ارسال نامه و مکاتبه.
5. با روش عملی و یا سیره ی عملی آن حضرت.

سیر تحول نهادهای آموزشی در ادوار مختلف تاریخ تمدن اسلامی

هر چند بازگویی تاریخ نهادهای آموزش در این مختصر مقدور نیست اما در این بخش به قدر امکان تلاش خواهد شد اجمالی از تاریخ آموزش در اسلام و سیر تحول آن در ادوار مختلف و نهادهای آموزشی جهان و تمدن اسلام تا پایان قرن هفتم ارائه شود. هر چند به دلیل گستردگی تاریخ آن ناگزیر می-بایست به تقسیم‌بندی ادوار تاریخ آموزش مبادرت کرد، زیرا هر دوره تاریخ از اسلام ویژگی‌های خاص خود را داراست بر همین اساس تاریخچه آموزش از صدر اسلام تا آغاز عصر عباسیان (1-132 هـ.ق) و سپس عصر عباسی تا آغاز مغول (132-656 هـ.ق) بررسی خواهد شد.

1- عصر نبوت (از ابتدا تا سال 11 هجری)
وضعیت علمی جزیره العرب پیش از اسلام - به عنوان خاستگاه تمدن اسلامی- بسیار آشفته بود، تا اینکه نخستین بارقه‌های علم‌آموزی با پیام‌های قرآنی آغاز شد. بدین رو آیات قرآن و سنت نبوی بهترین راهنما و مشوق علم‌آموزان و فراگیران گردید. این کتاب مقدس از یک سو آنان را به تفکر واداشت، تا ارج‌گذار دانش باشند و میان کسانی که میدانند و آنانی که نمیدانند تفاوت نهند و از دیگر سو بر دامنه نظام معرفتی‌شان افزود و آنان را به سوی علم‌آموزی گسیل داشت. بی‌شک آنچه می‌توانست در تقویت بنیاد دانش‌افزایی مؤثر باشد و کلید نظام معرفتی به شمارآید آموزش خواندن بود که این خود سر مطلع گفتار آغازین خدا با پیامبرانش بود : « بخوان به نام پروردگارت که آفرید» این خود آیتی است بر اینکه دانش با خواندن آغاز می‌شود و خواندن دیوار سخت جهل را خواهد شکافت و راه به دانایی خواهد گشود. نقش پیامبر عظیم‌الشان اسلام در بر کشیدن انسان به سوی معرفت الهی و رسیدن به قرب او که جز با علم و دانش میسر نبود ستودنی است. زیرا پیام‌های پر مایه و تأکیده‌های مکرر مبنی بر دانش‌افزایی بوسیله یادگیری خواندن و نوشتن مسلمانان را به سوی تعلیم و تربیت سوق داد. برنامه تعلیمی پیامبر اکرم سمرمشق مسلمانان در ادوار بعدی قرار گرفت. به دلیل توجه بیش از حد پیامبر اکرم به حفظ و نگاه‌داشت آیات قرآنی به هر دو شیوه شفاهی و کتبی نزد صحابه اولین اقدام جدی ایشان در امر آموزش استنساخ قرآن کریم بود. بنا بر همین نظر برخی محققان پیامبر اعظم را نخستین

معلم جامعه اسلامی دانسته‌اند. به هر ترتیب عده‌ای در محضر مبارکش آیات الهی را می‌نوشتند و برخی که از حافظه‌ای سرشار بهره‌مند بودند با به خاطر سپردن آیات آنها را حفظ می‌کردند. بنابراین اساس آموزش اولیه بر فراگیری قرآن قرار گرفت. حفظ و نگارش آیات که بخشی از علم قرائت بود نخستین گام مسلمانان در راه تعلیم و تعلم به شمار می‌رفت. دومین گام آموزش مسلمانان طریقه عبادت عملی و پاسداشت احکام قرآنی بود. با درگذشت زمان و تکوین نخستین حکومت اسلامی در شهر مدینه پیامبر ساختار جدیدی از علم‌آموزی را طرح‌ریزی کرد و شکل آموزش نیز چون سایر بخش‌های اجتماعی نظام‌مند گردید. نیاز بخش‌های مختلف جامعه نوبنیاد اسلامی در مدینه به اقتصاد و موضوعات زیرمجموعه آن چون داد و ستد، تجارت، ارث، غنایم و یا برگزاری مناسب اجتماعی و سیاسی از جمله تدوین و تنظیم قراردادها و اسناد چند جانبه میان مسلمانان اهل ذمه و اعلان جنگ و جهاد عقد صلح و ثبت مراودات و جز اینها پیامبر اکرم را بر این داشت تا بیش از پیش به رفع مشکل بی‌سوادی بیندیشد. این در حالی بود که قرآن به شدن از مسلمانان می‌خواست تا امور اقتصادی را بدون اسناد کتبی انجام ندهند. همین تاکید پیام آشکاری برای توجه دادن جامعه اسلامی بر امر فراگیری دانش و به کارگیری آن در همه زمینه‌ها بود.

بر پایه این نیاز همگانی از پایگاه مسجد برای آغاز حرکت نوبنیادی اسلامی استفاده شد و اولین کلاس‌های درس و فراگیری را در آنجا بر پا نمودند. فضای پر نشاط کسب علم فراگیران را واداشت تا از همه امکانات جامعه نوپای اسلامی بهره‌مند و حتی خانه معلمان مسلمان مکانی برای یادگیری اصول دین و یا حفظ کردن قرآن شد. پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) در اقدامی بی‌سابقه اعلام کرد:

اسیران جنگ بدر که استطاعت پرداخت حداقل سر بهای آزادی خود را ندارند اما خواندن و نوشتن را دارند می‌توانند به ده نفر از مسلمانان انصار خواندن و نوشتن بیاموزند و سپس آزاد شوند.

هر یک از مسلمانانی که در این دو امر مهارت می‌یافت می‌توانست موضوعات درسی دیگری چون خواندن و یا کتابت قرآن و ثبت وحی الهی را آموزش دهد.

بنابراین تعالیم اسلامی در کمترین زمان ممکن همه جنبه‌های تمدنی جزیره‌العرب را تغییر داد. نخستین آموزشگاه عصر

نبوت مسجدالنبی بود که در آنجا همه تعلیمات اسلامی به فراگیران آموزش داده می‌شد. البته پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) در آموزش و تعلیم و تربیت با چالشهایی هم مواجه بودند که عبارت بود از:

- نبودن لغت مکتوب در فرهنگ عرب قبل از اسلام
- فقدان منابع کتبی
- دارای قواعد و اصول بسیار بود.
- فراگیر نبودن خواندن و نوشتن در میان همه طبقات اجتماعی.
- عدم وجود معلم کافی.
- کمبود وسائل آموزشی چون دوات و کاغذ.
- نبود قواعد الفبای منظم و مدون در زبان عربی.

2. عصر خلفای راشدین (11- 41 هجری)

اوضاع حجاز در دوره حکومت خلیفه نخست ابوبکر بن ابی‌قحافه (11-13 هـ. ق) به دلیل جنگهای اهل رده و یا شورش پیامبران دروغین آشفته بود. از همین رو خلیفه فرصت زیادی برای اجرای برنامه‌های تعلیمی نیافت هر چند سیاست منبع کتاب حدیث بر کندی روند آموزش افزود.

در عصر عمر ابن‌خطاب (13-23 هـ. ق) دومین خلیفه اسلامی همچنان همان سیاستهای خلیفه نخست پیگیری شد: با این تفاوت که به دلیل وسعت فتوحات اسلامی سرزمین تحت نفوذ فزونی یافت و انبوه غنائم جنگی به جامعه اسلامی سرازیر گردید. در پی همین افزایش سرمایه خلیفه به ناگزیر برای ثبت نام از مستمری بگیران بیت‌المال و سر سامان دادن به اوضاع خطیر مالی دیوان اقتصادی و بیت‌المال را تأسیس کرد. در پی این سیاست نخستین ایرانی به دربار خلافت اسلامی راه یافت و به تدوین چنین دیوانی مبادرت نمود. با تشکیل این دیوان نیاز به کارمندان باسواد بیشتر شد و از سویی آموزش همگانی در کنار تعالیم مبانی دینی فزونی یافت. در مساجد نوبنیادی در سرزمینهای فتح شده آموزش زبان عربی برای خواندن و فهم آیات قرآن آغاز گردید و بسیاری از صحابه پیامبر به جای شرکت در جهاد به تعلیم نوآموزان و فراگیران پرداختند. مساجد شهرهای مهم کوفه بصره حیره و مداین تأسیس و به فرمان خلیفه دوم برخی از صحابه پیامبر اکرم مأمور اقامه نماز و آموزش قرآن و مسائل دینی در این مساجد شدند.

دوره خلافت عثمان بن عفان (23-35 ه.ق) در حالی سپری شد که توسعه ارضی تمدن اسلامی رو به فزونی نهاده بود. اما هنوز جامعه به روشهای مدرسهها و یا تعلیم و تربیت مستقیم روی نیاورده بود مگر در به کارگیری عدهای از صحابه صاحب فن نگارش برای رونویسی مجدد قرآن که این امر خود به تنهایی از اهمیت ویژه ای برخوردار است.

دوره کوتاه خلافت امام علی (35-40 ه.ق) توأم با اصلاحات سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی همراه بود.

بدین ترتیب وجود مشکلاتی چون اوضاع آشفته داخلی جامعه اسلامی درگیری خلافت اسلامی در سه جنگ داخلی، عدم بلوغ ذهنی و فزونی دانش جامعه و نیز کوتاهی مدت خلافت امام علی موجب شد سیاست امام در نحوه اداره مراکز تعلیمی و چگونگی آنها در هاله ای از ابهام قرار گیرد. ساخت و تجهیز مساجد تازه تأسیس کوفه و بصره که در نزدیکی مرزهای ایران قرار داشت خیلی زود محل توجه و مرکز تجمع ایرانیانی شد که در دوره های بعد با شوق بسیار به تعلیم و تعلم پرداختند. در سر لوحه مباحث آموزشی ایشان زبان عربی قرار داشت که همان زبان قرآن بود.

با انتقال مرکز خلافت از مدینه به کوفه توسط امام علی بر رونق این مناطق افزوده شد.

3. عصر امویان (41-132 هجری)

تاریخ آموزش به دلیل ویژگی های عصر خلافت بنی امیه دوره ای متفاوت را سپری نمود: زیرا از یک سو مرکزیت خلافت اسلام از حجاز- به عنوان کانون فقه و حدیث- به دمشق منتقل شد و از سوی دیگر مناطق تحت نفوذ قلمروی خلافت اسلامی در شرق و غرب عالم اسلام توسعه یافت.

مسجد به عنوان نخستین مرکز آموزش اسلامی توسعه بیشتری یافت: آن سان که حاکمان و فاتحان مسلمان برآن شدند تا ضمن ساخت مسجد در مناطق فتح شده از تازه مسلمان غیر عرب نیز در سوادآموزی و مشارکت در امور سیاسی بهره بیشتری ببرند.

مساجد کوفه، بصره و دمشق مرکز تجمع مسلمانانی شد که با اشتیاقی وصفناپذیر به تعلیم و تعلم پرداختند. در این دوره در کنار آموزش قرآن به کودکان برخی مهارت های زندگی چون سوارکاری و یا شعر و ادب نیز آموزش داده می شد اگر چه هنوز بحث انگیزترین موضوع علمی یعنی نگارش و ثبت حدیث و یا پرداختن به تاریخ زندگی پیامبر اکرم تعطیل بود.

- در مجموع شاید بتوان ادعا نمود به چند دلیل عمده رشد ساختار نظام آموزشی در دوره خلفای راشدین و اموی بسیار آرام و تدریجی و یا در پاره‌ای موارد متوقف بود:
1. به رغم تأییدهای قرآن کریم و توصیه‌های پیامبر اکرم مردم به درک درستی از کسب علم نایل نشدند و همچنان سنت شفاهی بر نظام آموزش سیطره داشت.
 2. مشکلات داخلی و جنگ‌های پی‌درپی داخلی و خارجی مانع بزرگی برای ایجاد توسعه فرهنگی بود. در این شرایط خلفای راشدین و امویان مجال مناسبی برای پرداختن به دانش-افزایی جامعه اسلامی نیافتند.
 3. ممانعت از کتابت حدیث موجب ایجاد زمینه جدال و مناقشات فکری در جامعه اسلامی شد.
 4. تنگ بودن محدوده علم و توسعه نیافتن مبانی آن به دلیل تنگنظری برخی از حکمرانان اسلامی.
 5. فساد شدید دستگاه اموی و رواج فساد و خودکامگی و عدم توجه به رشد و شکوفایی جامعه اسلامی و آموزش و تعلیمات اسلامی.

4 - سیر تحول آموزش در عصر عباسیان (656-132 ه.ق)
با سقوط خلافت امویان و روی کار آمدن عباسیان (656-132 ه.ق) تاریخ آموزش وارد عرصه‌ای نوین شد. روی‌آوری به آموزه‌های اصیل اسلامی و بازآموزی مجدد قرآن کریم در سایه همه‌جانبه علمی ائمه اطهار و البته عصر نوحواهی مسلمانان و حضور ایرانیان با درایتی چون خاندان آل برامکه و یا خاندان سهل در دربار خلافت اسلامی و از دیگر سو علاقه‌مندی خلفای عباسی به علوم مختلفی چون نجوم طب فلسفه ادبیات سیاست و حتی علم تفسیری اخلاق موجب شد شرایط جدیدی به ویژه در عرصه آموزش و پرورش اسلامی فراهم شود.

آنچه بر روند رو به رشد آموزش در جامعه عباسیان سرعت بخشید تنوع علوم و کثرت شاخه‌های مرتبط با کلام الهیات و فقه بود که متقاضیان بیشماری را به عرصه آموزش فراخواند و بدین رو معلمان برجسته‌ای در مکاتب علمی پرورش یافتند. بی‌تردید همین امر تنوع و توسعه علم‌اندوزی و دانش‌افزایی را دامن زد و روش‌های تعلیمی را از ادوار پیش متفاوت کرد. بنابراین در سده دوم هجری و سده‌های پس از آن شمار مکتبخانه‌ها فزونی یافت. در اواخر قرن چهارم هجری نیز در کنار مساجد به عنوان کانون آموزش اولیه مراکز علمی جدیدی به نام مدارس تأسیس شد که هر یک به نوعی در امر آموزش دخالت داشتند. در این مراکز معلمان بسیاری به تدریس می‌پرداختند.

علل افزایش و توسعه علم در دوره عباسیان
یکم ؛ به دلیل ثبات فتوحات اسلامی در عصر عباسیان مراودات فرهنگی و تجاری جایگزین مناسبات نظامی شد و بدین رو رفت و آمد به بغداد و مراکز فعال علمی آن فزونی گرفت. به تبع و توسعه و رونق سیاسی، اقتصادی و فرهنگی بغداد به عنوان مرکزیت خلافت اسلامی و انتقال بسیاری از موارد ایرانی و سایر تمدن‌ها بدانجا نظام آموزش نیز متحول شد. دو شهر کوفه و بصره و مساجد جامع آنها به دلیل نزدیکی به ایران و جندی‌شاپور کانون فعالیت علمی شدند. علم صرف و نحو و رونق علمی این دو شهر افزود و دو مکتب بصری و کوفی پا گرفت.

دوم ؛ وجود امامان شیعه که در این دوره با حضوری فعال در عرصه علم و دانش به بسط فضیلت و رواج علوم به ویژه فقه پرداختند. امام باقر و امام صادق (علیهم السلام) با

ارائه طرحی نو در تربیت دانش پژوهان نامداران این عهد گشتند. منابع تا 467 شاگرد و تربیت شده امام باقر علیه السلام را نام برده است.

سوم ؛ یکی از اقدامات مهمی که در دوره عباسیان سبب اعتلای تمدن اسلامی شد، تأسیس کانونهای علمی عمومی و خصوصی بود که نقش مهمی در روند رو به رشد جامعه علمی ایفا نمود. تأسیس مهمترین و نخستین مرکز علمی-آموزشی بزرگ عصر عباسی، «بیتالحکمه» بغداد است.

چهارم ؛ در این عصر با توجه به ترجمه آثار و اندیشه‌های نوافلاطونی و ارسطویی از یک سو، و موافقت خلفا با نقل و نگارش حدیث به همراه اهتمام ائمه شیعه به تفسیر و حدیث از دیگر سو، بازار مباحثات و مناظرات علمی داغتر شد. رویکرد مسلمانان به قرآن و حدیث، وضعیت جدیدی را در جامعه به وجود آورد و توصیه‌های مؤکد قرآن به همراه تشویق‌های مستمر ائمه شیعه نیز مؤثر افتاد و اقبال علوم فزونی یافت.

پنجم ؛ ایجاد نهضت ترجمه آثار ایرانی، هندی، یونانی از زبانهای مختلف به عربی بخصوص در زمینه پزشکی، نجوم و جغرافیا.

در این دوران شهرهای مهمی چون نیشابور، هرات، مرور، اصفهان، ری، شیراز، کرمان، همدان و گرگان از مراکز پر رونق علم و ادب ایران به شمار می‌آمدند.

ششم ؛ یکی از دوره‌هایی که بیشترین مناظرات علمی و مجالس وعظ و خطابه و گفتگو در آن رخ داد، عصر مأمون (218-198 ه.ق) است. او مدتها نزد ایرانیان در مرو تمورین خلافت و حکمرانی نمود. در تمامی این دوره، او مجالس مناظره می-آراست و دانشمندان علوم مختلف را برای مباحثه و مناظره علمی رو به روی یکدیگر می‌نشانده. بی‌گمان بازار داغ مناظرات و مجالس آزاد در این دوره عامل مهمی برای تقویت بنیه فکری و علمی جامعه و اعتلای اندیشه اسلامی به شمار می‌رفت.

نهادهای آموزشی در تمدن اسلامی

1- مسجد

نخستین اقدام پیامبر اکرم علیه السلام در بدو ورود به محله قبا¹ و مدینه منوره در سال نخست هجرت، ساختن مسجد برای انجام فرایض دینی و فعالیت‌های سیاسی بود. 2. مسجد مدینه خیلی زود- به عنوان نخستین کانون سیاسی و اجتماعی، مرکزیت صدور جهاد و گردهمایی فرهنگی- فعالیت جدی خود را آغاز نمود. بعدها در عصر خلفا همین اقدام پیامبر علیه السلام سرلوحه فاتحان اسلامی قرار گرفت و در سرزمین‌های فتح شده به نشانه پیروزی، مساجد بنا کردند. از مهمترین مساجد اسلامی می‌توان به مسجد جامع بصره (14 ه.ق)؛ مسجد جامع کوفه (17 ه.ق)، مسجد جامع فسطاط (21 ه.ق)، مسجد جامع دمشق، مسجد جامع منصور (149 ه.ق) در بغداد و مسجد الاقصی در بیت المقدس، مسجد قبه الصخره (عبدالملک مروان) اشاره کرد.

2- زاویه

زاویه یا ستون، قسمتی از مسجد است که در اثر توسعه و گسترش مساجد به تدریج شکل گرفت در تاریخ آموزش جایگاهی ویژه یافت.

3- مکتب و کُتاب (مکتبخانه ها)

به دبستانهایی اطلاق می‌شود که در آنها آموزش ابتدایی خواندن، نوشتن و یا روخوانی قرآن انجام می‌شد. بدین رو مکتب‌خانه ها محل مناسبی برای آموزش قرآن و مقدمات دینی بود.³

مکتب را به عربی (کُتاب) می‌خوانند و در صدر اسلام دو نوع مکتبخانه وجود داشت:

1. مکتبخانه هایی که در آن قرآن و مسائل دینی آموزش داده می‌شد.
2. مکتبخانه هایی که در آن خواندن و نوشتن تعلیم می‌گردید.

1 قبا در نزدیکی یثرب، نخستین جایی بود که پیامبر در آغاز هجرت در آن اقامت موقت گزید تا علی بن ابی طالب (ع) با فواطم (فاطمه بنت اسد و فاطمه (ع) دخت پیامبر (ص) به ایشان پیوندند. (بنگرید به: طبری، تاریخ الرسل و الملوک، ترجمه پاینده، ج 3 ص 919 و 920)

2 مقریزی، المواعظ و الاعتبار بذكر الخطط و الثرار، ج 4 ص 5
3 احمد امینی، ضحی الاسلام، ج 2 ص 50 و 51

4 - بیت الحکمه ها

نخستین مرکز علمی و فرهنگی در عصر عباسیان به نام بیت الحکمه در بغداد تأسیس شد. این مرکز محل مترجمان و علما و دارای کتابخانه و احتمالاً رصدخانه ای بود و با هزینه دولت اداره می شد. زمان تأسیس این مرکز به درستی مشخص نیست و عده ای بنیان آن را در سال 210 یا 211 هجری می دانند ; عده ای هم ایجاد آن را در عهد هارون دانسته اند. به هر صورت ، این مرکز در زمان مأمون به علت رواج روحیه علمی و عقلی از رونق فراوان برخوردار بود و گویی در آن هنگام سهل بن هارون خازن آنجا بود. مأمون، به لحاظ علم و حکمت، عضو برجسته بنی عباس بود که از همه فنون و دانش ها بهره ای به سزا داشت.

5 - دارالعلم ها

پیش از تأسیس مدارس در جهان اسلام ، دارالعلم هایی نیز در نقاط گوناگون بلاد اسلام به وسیله علما و امرا به وجود آمد که در زمینه تعلیم و تربیت نقش مهمی را ایفا کردند. مورخان اسلامی، در تأسیس دارالعلم و دارالکتب را به شیعیان نسبت می دهند. از نمونه های بارز آن دارالعلم شیعی اسماعیلی متعلق به الحاکم خلیفه فاطمی در قاهره است. دیگر دارالعلم ها و کتابخانه ها عبارت بود از دارالعلم شاپور بن اردشیر وزیر شیعی مذهب بهاءالدوله دیلمی و دارالعلم شریف رضی در بغداد ، دارالکتب عضدالدوله دیلمی در شیراز ، دارالکتب ابن سوار کاتب عضدالدوله در دو شهر رامهرمز و بصره و کتابخانه عضدی در بصره. مقدسی جغرافیدان معروف اسلامی که خود از دارالکتب عضدالدوله در شیراز دیدن کرده است ، نوشته که در شرق و غرب جهان اسلام نظیری بر این کتابخانه نیافتم. مقدسی یادآور شده که کتابی تا آن زمان تألیف نشده بود، مگر آنکه نسخه ای از آن در کتابخانه عضدی وجود داشت.

6 - جامعه ها

مادر جامعه یا دانشگاه های اسلامی همان مساجدی هستند که در جوامع اسلامی کارکردی مختلفی داشتند. با گذشت زمان، اهمیت علمی و آموزشی برخی مساجد فزونی یافت و بالحاق برخی تاسیسات رفاهی علاوه بر گسترش فضای عمومی، کارکرد آنها نیز متفاوت گردید. همین تفاوت به ایجاد دانشگاه یا

جامعه اسلامی منجر شد. تدریس دروس و گرایش های ویژه در این دانشگاه ها طریق تخصصی شدن آنها را گشود. بدین ترتیب مراکز علمی سطوح عالی سطوح عالی در فرهنگ اسلامی «جامعه» نام گرفت و عمده مساجد جامع نیز به امر تعلیم و تربیت عالی اختصاص یافتند. 4

برخی از مساجد جامع مشهور جهان اسلام عبارتند از : جامع قیروان (50 ه.ق) در شمال آفریقا ، جامع زیتونیه (114 ه.ق) در تونس ، جامع قرطبه توسط عبدالرحمن اول (173 - 138 ه.ق) در اندلس ، جامع قرویین فاس در مغرب (مراکش کنونی) (245 ه.ق) توسط بانوی نیکوکار فاطمه بنت محمد فهري ، جامع الازهر قاهره (259-360 ه.ق) در عصر فاطمیان.

7- رباط

رباط در اصل نوعی بنای نظامی و قلعه تدافعی بزرگی بود که مجاهدان فی سبیل الله⁵ برای حفظ سرزمین های اسلامی از حملات دشمنان از جانب دریا و خشکی و نیز به منظور پایداری در برابر شورش های داخلی ، آنها را می ساختند .

8- خانقاه ها

واژه خانقاه در اکثر کتاب های فرهنگ به صورت خانگاه، خانه گاه، خوانگاه و ... ضبط شده است و اکثر فرهنگ نویسان خانقاه را مکانی برای اقامت درویشان و صوفیان دانسته اند. خانقاه در آغاز تاسیس خود محلی بوده است برای سکونت و تغذیه درویشان مقیم و مسافر و در واقع مسافرخانه ای رایگان بوده است که غذا و مکان مجانی در اختیار مسافران و غریبان و صوفیان قرار می داده و در آن جا از آنها پذیرایی می شده است.

خانقاه محلی است که درویشان و مرشدان در آن سکونت کنند و رسوم و آداب تصوف را اجرا نمایند و نیز خانه ای را گویند که درویشان و مشایخ در آن به سر برند و عبادت کنند آمده است که اولین خانقاه صوفیان در محل کوچکی در خراسان ساخته شد. ساختمان خانقاه به چند قسمت تقسیم می شود و قسمت بزرگتر آن را تالار بزرگی تشکیل می دهد که برای ذکر دست جمعی و سماع درویشان به کار می رود.

4 مقریزی فهرست مفصلی از مساجد جامع مصر ارائه داده است. برای اطلاع بیشتر بنگرید به المواعظ و الاعتبار بذكر الخطط و الآثار ، ج 4 ص 146 - 3
5 عبدالقادر نعیمی، الدارس فی تاریخ المدارس، ج 1 ، ص 70 ، ابن منظور، لسان العرب ، ج 7 ص 302 .

همچنین اتاق های کوچکتری به نام زاویه وجود دارد که سالکان طریقت در آنها به ریاضت و سلوک مشغول می شوند و هر سالکی در زاویه ای از خانقاه منزل می کند. خانقاه هفت تنان شیراز نمونه ای از این خانقاه ها به شمار می رود.

9- خانه دانشمندان

خانه دانشمندان و فضای هر عصر همواره مکان مناسبی برای گردهمایی اهل علم بود. شاید بتوان بهترین نمونه ساده این خانه های آموزشی را خانه ارقم بن ابی ارقم در مکه معظمه دانست.

10- کتابفروشی

در دوره عباسیان کتاب فروشی های بسیاری در جهان اسلام تاسیس شدند. بازارهای کتاب و کتابفروشی های اسلامی عمدتاً یکی از بهترین مراکزی بودند که دانش پژوهان در آن گرد می آمدند. به دلیل وسعت گرفتن نهضت ترجمه و توجه به امر استنساخ و ترجمه و تالیف کتاب، پیشه کتابفروشی سود بسیاری یافت ، اما والاترین هدف برای کتابفروشان و خریداران کامجویی معنوی، خواندن و آگاهی یافتن بود

11 - بیمارستان های آموزشی

در کنار مراکز وابسته به نهاد مسجد که عمدتاً به آموزش و تعلیمات دینی اختصاص داشت مکان هایی نیز به تدریس علوم دیگری چون پزشکی می پرداختند. زیرا پیشه پزشکی با حیات آدمی و سلامت جامعه پیوندی متقن دارد و از خطیرترین حرفه های جامعه بشری به شمار می آید.

در عصر فتوحات اسلامی ، مسلمانان با الگوهای قابل تعمیم در ساخت بیمارستان و مرکز علمی - پزشکی در سرزمین های فتح شده آشنا شدند، چنان که جنیدی شاپور به عنوان بهترین مرکز آموزشی پزشکی نمونه ی خوبی برای ساخت مرکزی مشابه به شمار می رفت.

بر این اساس در تاریخ تمدن اسلامی با فهرست مفصلی از نام بیمارستانهای مهم رو به رو می شویم. اگر چه پرداختن به همه آنها در این مختصر مقدور نیست لیکن تنها به ذکر نمونه هایی از فعال ترین آنها بسنده می کنیم.

بیمارستان مقتدری

این بیمارستان در قرن چهارم به فرمان خلیفه عباسی، المقتدر بالله در بغداد ساخته شد و ماهانه دویست دینار از دارایی او صرف بیمارستان می شد.⁶

بیمارستان عضدی

این بیمارستان منسوب به عضدالدوله دیلمی است که در سال 371 - 368 هجری به فرمان او در بغداد ساخته شد. استخدام پزشکان برجسته و کادر خدماتی شایسته و تعیین مقرری قابل توجه برای کادر فنی، بر اقبال بیمارستان افزود، چنان که بیست و چهار پزشک با ملیت های مختلف شبانه روز در آن کار می کردند.⁷ تدریس پزشکی توسط بزرگان و سرشناسان علم طب در این بیمارستان، فعالانه انجام می شد.

بیمارستان منصورى قاهره

مرکز آموزشی و درمانی منصورى قاهره یکی از افتخارات تمدن اسلامی به شمار می آید. اگر چه تاریخ بنای این بیمارستان به عهد فاطمیان مصر می رسد،⁸ اما بیشترین موقوفات و بناسازی موثر آن در عهد منصور سیف الدین قلاوون (689 - 678ق) امیر مملوک مصر صورت گرفت.

در کنار بیمارستان جایگاهی نیز برای سخنرانی های پزشکی در نظر گرفته شده بود و پیوسته دانشجویان را از جدیدترین اطلاعات طبی آگاه می کردند.⁹ برنامه دقیق آموزشی این بیمارستان چنان بود که بعدها از آن به الگوی جامعه پزشکی و دانشکده طبی یاد می شد.

12- مدارس خصوصی و دولتی در جهان اسلام

معنی لغوی و مفهوم مدارس در اسلام

در آن هنگام که دارالعلم ها در عرصه حیات فرهنگی اسلام پدیدار گشت و دوره های رشد و شکوفایی و سرانجام مراحل رکورد و نابودی را یکی پس از دیگری پشت سر می نهاد نهضت آموزشی دیگری را در جامعه اسلامی به وجود آمد و به تدریج وارد مرحله عمل شد و رشد و نمو یافت و چندی طول نکشید که

6 عبدالرحیم غنیمه، تاریخ دانشگاه های بزرگ اسلامی، ترجمه نورالله کسایی، ص 171 .

7 احمد امین، ظهراالاسلام ص 42 .

8 مقریزی، المواعظ و الاعتبار بذكر الخطط و الآثار، ج 4 ص 268

9 همان

در قرن پنجم هجری و سده های پس از آن در سرلوحه برنامه های آموزش دانشگاهی در اسلام قرارگرفت. این نهضت همان تاسیس مدارس خصوصی و پس از آن مدارس دولتی بوده است. پیش از ورود به موضوع پیدایش و تطور مدرسه مناسب است اشاره ای کوتاه به معنا و مفهوم مدرسه داشته باشیم.

ریشه لغوی واژه مدرسه:

کلمه المَدْرَسَه در اصل اسم مکان از ماده دَرَسَ است. دَرَسَ به معنی قَرَأَ به معنی قرأت می باشد و دَارَسْتُ به معنی قارأت با معنی قرأت و قَرِي عَلِيكَ معادل است. در حدیث نبوی نبوی عبارت « تدارسوا القرآن یعنی قرآن را بخوانید و به خاطر بسپارید تا آن را از یاد نبرید » کلمه «المَدْرَسُ» که به جایگاه تدریس اطلاق می گردد از ماده «دَرَسَ» اشتقاق یافته است. و چنین است کلمه مدارس یعنی جایی که در آن درس خوانند و خانه ای که در آن قرآن خوانند.

تاریخ ورود واژه دَرَسَ به زبان عربی به احتمال زیاد به اندکی پیش از اسلام باز می گردد زیرا کهن ترین متن لغوی تاریخی که واژه دَرَسَ در آن به معنی خواندن به کار رفته همان قرآن کریم است. قال تعالی: « ما کان لبشر أن یؤتیه الله الکتاب والحکم* والنبوه ثم للناس کونوا عباداً لی من دون الله ولکن کونوا ربانین بما کنتم تعلمون الکتاب و بما کنتم تدرسون». (آل عمران- آیه 79)

در کتاب دانشگاه های بزرگ اسلامی آمده است: «اما آنچه نظر ما را در معرب بودن این کلمه [دَرَسَ] تایید می کند مجموعه افادات و اطلاعات ارزشمندی است که استاد فاضل دکتر فؤاد حسنین استاد کرسی زبانهای سامی در دانشگاه فؤاد اول در این زمینه به ما داده است. بنا به گفته این استاد:

«درس در زبان عبری و سریانی و همه زبانهای سامی که این واژه در آنها یافت می شود به معنی فَحَصَ و أَجْتَهَدَ یعنی پی جویی و کوشش است».

اما آنچه نظر ما را در معرب بودن این کلمه [دَرَسَ] تایید می کند مجموعه افادات و اطلاعات ارزشمندی است که استاد فاضل دکتر فؤاد حسنین استاد کرسی زبانهای سامی در دانشگاه فؤاد اول در این زمینه به ما داده است. بنا به گفته این استاد:

«درس در زبان عبری و سریانی و همه زبانهای سامی که این واژه در آنها یافت می شود به معنی فَحَصَ و أَجْتَهَدَ یعنی پی جویی و کوشش است».

عبارت اخیر اصل کلمه «مدارس» را به روشنی برای ما تفسیر می کند. این کلمه هم وزن مفعال بنا به گفته صاحب لسان العرب برای اسم مکان وزنی غریب است چنانکه کتاب «قاموس» هم توضیح می دهد که مدارس همان کُتَاب [مکتب خانه] است.

مفهوم مدرسه و تطور آن :

با روشن شدن ریشه لغوي واژه «مدرسه» شايسته است که به اصل مدرسه به عنوان يك مفهوم در جامعه اسلامي پي ببريم و سپس برنامه هاي آموزشي مدرسه را در دوره هاي بعد مورد بررسي و شناسائي قرار دهيم.

اگر چه برخي از نويسندگان معاصر را عادت بر اينست که در نگارش تاريخ و تمدن اسلام کلمه مدرسه را بر هرگونه مؤسسه اي علمي اطلاق نمايند، ليکن به نظر مي رسد «مدرسه» جايجاهي است برخوردار از ويژگيهاي فکري توأم با اهداف و روش هاي مخصوص به خود که بوسيله آنها شناخته شده و در همين مسير پيش رفته و در خدمت آموزش دانشگاهي در اسلام نقش بارزي ايفا کرده که اين نقش، خود از ويژگيها و خصائصي برخوردار بوده. و مدرسه با اين معني از پديده هاي قرن چهارم هجري است.

با آنکه مدرسه از جمله مستحدثات سده چهارم هجري به شمار آمده، اين پديده علمي و آموزشي در حقيقت محصول گام هاي بسياري بوده که پيش از آن تاريخ برداشته شده بود و چنانکه پيش از اين هم گفتيم مدرسه نتيجه همه مظاهر تعليمات اسلامي پيش از خود از جمله "مساجد" بوده که برخي از ويژگيهاي آن در "مدرسه" محفوظ ماند و ديگر "دارالعلم" ها که تأسيس کتابخانه به اقتباس از آن صورت گرفت. بنا بر آنچه گذشت مراکز خصوصي آموزشي در اسلام در تکوين آن دسته از مدارسي که در سده پنجم هجري با ويژگيها و اسلوبي جديد تاسيس گرديد تاثيري قابل ملاحظه داشته، بنابراین شايسته است که به موازات پرداختن به موضوع مورد بحث تاريخ اينگونه موسسات آموزشي خصوصي را هم مورد بررسي و تحقيق قرار دهيم.

با آنکه مسجد در عصر پیامبر (ص) به منزله يك مرکز اصلي براي تعليم بود اما اين امر مانع از آن نمي شد که آن حضرت در جاهي ديگر يا هر جا که مردم گرد وجود وي جمع شوند به تعليم نپردازد. و اين يك امر طبيعي است، چرا که علاقه و تمايل به تعليم منحصر به جايجاه خاصي نيست که اين برنامه هميشه در آنجا اجرا گردد و نتواند از آن جدا شود و در ضمير انسان و نيز در مراحل حيات هر آن لحظات و فرصت هاي مناسبتي دست مي دهد که شرايط مطلوبتي براي فراگيري دانش و کسب معرفت و درک واقعيات فراهم مي آيد و عقل در کسب معرفت و استفاده نيكو از آن توانايي و آمادگي دارد. پیامبر (ص) خود چنين مي کرد و روش او موجب

پیروی برخی از رجال دینی و دست اندرکاران مسائل تعلیمی سده اول هجری قرار گرفت و همین افراد بودند که ضرورت وجود اماکن خصوصی را در جوار مراکز تعلیماتی عمومی احساس کردند و عقیده داشتند که در این زمینه تنها به مسجد نمی توان بسنده کرد.

استاد عبدالرحیم غنیمه در کتاب تاریخ دانشگاههای بزرگ اسلام می نویسد: « در خلال نیمه اول از سده چهارم هجری یکی از بزرگان علمای حدیث به نام ابوحاتم محمدبن حبان بستنی [م 354 ه.ق] خانه ای را در شهر بست تدارک دید و کتابهای خود را بر آن وقف کرد و همه را در اختیار اصحاب و شاگردان خویش گذاشت و برای کسانی که از نقاط دور دست برای استماع حدیث و تحصیل فقه در این خانه اقامت داشتند اماکن مسکونی بنا نهاد و مستمری هایی برای این محل در نظر گرفت تا به مصرف طلاب برساند و تاکید کرد که کتاب های موجود در خانه بی آنکه از آن محل خارج گردد در اختیار همه کسانی که قصد استفاده یا یادداشت مطالب آن را دارند قرار گیرد».

وی در صفحه 109 کتاب خود ادامه داده است: « تا اواخر قرن چهارم هجری هم به تقریب هیچگونه ذکری از واژه «مدرسه» در منابع تاریخی نمی یابیم و در این زمان در متون ادبی تنها به دو کلمه «مدارس» و «مدرّس» برمی خوریم که نخستین یه صیغه جمع و دیگری به صورت مفرد به ترتیب در برخی متون وارد شده است، بطور مثال:

در شعر دعبل بن علی خزاعی (م. 249 ه.ق) شاعر بیمانند علوی که قطعه ای در رثای شهدای اهل بیت و اظهار تاسف نسبت به انواع فشار و ناراحتی که در حق آنان روا داشته اند سروده، در آن کلمه مدارس را این گونه بکار برده است:

(مدارس) آیات خلت من تلاوة
لآل رسول الله بالخيف من مني
و الجمرات

و منزل وحي مغفرالعصرات
وبالركن والتعريف
ديار علي والحسين و جعفر
السجاد ذي الثنات

«خانه هایی که جایگاه درس آیات قرآن بود از تلاوت خالی ماند و فراخنایی که منزلگاه وحی بود بیابان و ویران گردید».

«آن خانه ها در خیف یعنی مسجد منی و در خانه کعبه و در عرفات و جمرات از آن خاندان رسول خدا بود».

«خانه های علی [ابن ابی طالب] و حسین [بن علی] و جعفر [طیار] و حمزه [سید الشهداء] و حضرت سجاد [زین العابدین] بود که پیشانی‌ش از بسیاری سجده پینه بسته بود».

و دیگر؛ متن دوم عبارتی است که ابوعثمان جاحظ (م. 255 ه.ق) ضمن رساله ای در ستایش از کتاب به کار برده و درباره مردی به نام موسی بن یحیی گفته است که: «ما کان فی خزانه کتب یحیی و فی بیت مدرسه کتاب الا و له فیه ثلاث نسخ». یعنی در کتابخانه و بیت مدرس یحیی کتابی نبود مگر اینکه سه نسخه از آن را در اختیار داشت.

امام ابومنصور ثعالبی (م. 429 ه.ق) از اهالی نیشابور که مردمش به تاسیس مدارس بر دیگر بلاد اسلامی سبقت داشته اند در کتاب «فقه اللغه» خویش چنین گوید که: «المدرس مکان درس الکتب». اما از کلمه مدرسه یعنی مدرس پیوسته به تاء سخن نگفته است».

اقسام مدارس

تعلیم و تربیت اسلامی در طول تاریخ خود دو نوع از این مدارس را به خود دیده است که هر یک از آنها نمایانگر دوره ای از مراحل فعالیت مدارس اسلامی است، آن دو عبارتند از:

الف- مدارس خصوصی

ب- مدارس دولتی

مدارس خصوصی

استاد عبدالرحیم غنیمه ضمن تقسیم بندی مدارس اسلامی به دو دسته خصوصی و دولتی در بخشی از کتاب خود در مورد مدارس خصوصی می نویسد:

« این نوع مدرسه در مراحل نخست از حیات خود متشکل از خانه ای بود که استاد با دانشجویان خود در آن اجتماع می کرد و در صورتی که استاد توانایی مالی داشت غالباً از محل دارایی شخصی به اینکار دست می زد و چنانچه شخصاً قادر به انجام این کار نبود ثروتمندان [شهر که با این قبیل کارها سنخیت داشتند] به تاسیس مدرسه ای برای تدریس استاد قیام می کردند. تاریخ تاسیس مدرسه در این مرحله به درستی معلوم نیست. کهن ترین اخباری که در این زمینه به ما رسیده مربوط است به مدرسه امام ابوبکر فورک اصفهانی درگذشته سال 405 ه.ق که بنا به گفته ابن عماد

حنبلي در نيشابور مدرسه اي بنا كرد و در آن به تدريس علوم مختلف پرداخت. و طبيعي است كه در تاسيس اين مدرسه به سالها پيش از تاريخ وفات اين دانشمند باز مي گردد. شهر نيشابور از ديرباز به سبقت در تاسيس خصوصي شهرت داشته و مردم ادب دوست و دانش پرور اين خطه به تحصيل دانش علاقه فراواني داشتند و در حق دانشمندان احترام بسيار مي كردند. وجه بسيار اتفاق مي افتاد كه دانشمندان بزرگ شهرها و بلاد دور دست اسلامي را براي تدريس به شهر خود دعوت مي كردند. در اين زمينه گفته ابن سبكي را مورد توجه قرار مي دهيم كه : « نيشابور از مهمترين و بزرگترين شهرهاي اسلامي بوده و پس از بغداد در بين همه شهرهاي بزرگ اسلامي بيمانند بوده است».

پس از درگذشت اين دانشمند بزرگ از شاگرد وي حافظ ابوبكر احمدبن حسين بيهقي براي تدريس در مدرسه اسفرائني نيشابور دعوت به عمل آمد. بيهقي اين دعوت را پذيرفت و به تدريس فقه و حديث در مدرسه مزبور پرداخت. بيهقي بيش از همه مردم به ياري مذهب شافعي برخاست و نخستين كسي بود كه آراء و اقوال امام شافعي را جمع آوري كرد. وي در سال 458 هـ.ق در شهر نيشابور درگذشت. بناي مدرسه بيهقيه نيشابور منسوب به اوست.

در اين شهر همچنين به دست استاد امام ابومنصور عبدالرحيم ابن محمد بيشكي از اصحاب شيخ محدث ابوعبدالله حاكم بن بيع مدرسه اي تاسيس گرديد و بيشكي و اصحابش در آن حضور مي يافتند. بيشكي موقوفاتي بر اين مدرسه اختصاص داد. وي اهل رياست و برخوردار از بزرگي و ثروت بود و لغوي معروف اسماعيل جوهری كتاب «الصحاح» را براي وي تاليف كرد. بيشكي در سال 453 هـ.ق درگذشت.

علاوه بر آنچه گفتيم در شهر نيشابور مدارس ديگري هم وجود داشته است، مانند مدرسه سعديه كه امير نصر بن سبكتكين برادر سلطان محمود غزنوي به هنگام امارت بر نيشابور تاسيس كرد و مدرسه ديگري كه ابوسعد اسماعيل بن علي مثنوي استرآبادي صوفي بنياد نهاد .

استاد غنيمه در صفحه 112 كتاب خود در مورد مدارس نيشابور ادامه مي دهد : « از اين رو شهر نيشابور يكي از مراكز مهم اهل سنت به ويژه شافعي مذهبان بود و گروهی از بزرگان اصحاب حديث نظير "بيهقي" و "حاکم" در اين شهر ظهور كردند و به همين مناسبت عقايد سني و گرايش هاي مذهبي شافعي بر مدارس اين شهر غالب بود ، تا آنجا كه

مدرسه ای که نیشابوریان اداره می کردند ، عموماً خصائص سنی داشت و به صورت مراکز علمی مخصوص و وابسته به پیروان اهل سنت در آمد و با "دارالعلم" هایی که در حکم پایگاه های تبلیغاتی مذاهب شیعه بود رقابت می کرد. بدون تردید خصائص بارز مذهب شافعی که نخستین دسته از مدارس خراسان و به ویژه مدارس نیشابور به آن منتسب گردید این پرسش را مطرح می سازد که نهضت زودرس تاسیس مدرسه در این دیار تا چه اندازه با فقهای شافعی مذهب ارتباط داشته است. به نظر من شافعیه از بنیانگذاران نظام و سازمان مدرسه ای در اسلام بوده اند و این اقدام صرفاً برای تلافی و جبران ناتوانایی بود که در آغاز بر این مذهب راه یافت و حکمرانان و امرا نیز به تقلید از خلفای حنفی مذهب و آداب رائج در بغداد نسبت به مذهب شافعی بی توجه بودند و این علاوه بر رقابتی بود که "ظاهریه" با شافعی مذهببان داشتند که در پاره ای از اوقات در بلاد فارس دارای اکثریت بودند. از این رو گروهی از شافعیه در حلقه دانشمندان بزرگ مذهب شافعی گرد آمده و در محضر ایشان به تحصیل و مطالعه پرداختند و نهضت مدارس خصوصی پدیدار گشت و توجه به مذهبی را هدف قرار داد که در آن دیار از نظر دولت در شمار مذاهب رسمی نبود .

مدارس دولتی

هنوز نیمه سده پنجم هجری فرا نرسیده بود که تغییرات و تحولات مهمی که سرآغاز عصری نوین در تاریخ زندگی علمی و وظایف آموزشی مدارس به حساب می آید ، موجب دگرگونی های بنیادین در مدرسه که تا آن زمان از جمله پدیده های نهضت علمی مردم و بخش خصوصی به شمار می آمد و از سوی دولت های وقت توجهی به آن مبذول نمی کردند ، با آغاز این مرحله از تحول مدارس زیر پوشش حمایت و توجه دولت قرار گرفت و از آن تاریخ مدارس اسلامی به صورت پایگاه مهمی برای بسط و اشاعه افکار مذاهب اهل سنت درآمد. این کار مهم به دست نظام الملك [طوسی وزیر توانا و شافعی مذهب سلجوقیان] به مرحله عمل درآمد. این خواجه در فاصله سالهای 408 - 485 ه.ق میزیسته است.

نگاهی به پیدایش مدارس

سید حسین حر در تحقیقاتی که با استفاده از منابع مختلف از جمله «آثار البلاد و اخبار العباد» قزوینی و «تاریخ مدارس ایران» سلطان زاده و «حسن التقاسیم فی معرفه

الاقالیم» مقدسی در خصوص مدارس اسلامی انجام داده است در این رابطه می نویسد: «مدرسه تا سه قرن اولیه هجری وجود نداشت و علوم دینی و ادبیات در درجات متوسط و عالی صرفاً در مساجد تعلیم می شدند. نخستین مدرسه مستقل را ناصر کبیر در اواخر قرن سوم هجری در آمل، جنب آرامگاه خویش برپا کرد و سال ها در آن به تدریس پرداخت. (ناصر کبیر به طاعت مشغول بود و در حوالی آن موضع که حالا مشهد مبارک اوست (آمل) مدرسه بنیاد کرد و آن مدرسه در این چند مدت آبادان بود و آنجا ساکن شد و با مردم به شرع زندگانی می کرد و از اطراف جهان مردم برای استفتا علوم رو به حضرت او نهادند و از او علم و فقه و حدیث می آموختند.)

در ارتباط با ناصر کبیر و اقداماتش در تاریخ بخارا چنین آمده است: (...ناصر دو سال پیش فرمانروایی نکرد و ترك ملك و پادشاهی گفت و به ترویج دین و بسط علم همت گماشت و طالبان علم نزد او جمع شدند، و اقتباس فنون علوم از فقه و حدیث و شعر و ادب از او می نمودند...)

تعدد مکتب های فلسفی و مذهبی و ضرورت تعلیمات کلاسیک و بلند مدت، منجر به گسترش تعلیم و تربیت و ازدیاد طلاب گردید و ضرورت ایجاد فضاهای خاصی برای این منظور که هم بحث و جدل طلاب مزاحم عابدین نشود و هم آمد و شد عوام باعث ایجاد اخلال در تدریس نگردد، سبب احداث مدرسه شد. رقابت و مبارزه خلفا و امراء در تبلیغات مذهبی، سیاسی، نه تنها به این روند شدت بخشید، بلکه به عنوان عامل اصلی و اساسی در پیدایش تعداد بسیاری از مدارس مؤثر بود.

عموم منابع تاریخی، شهر نیشابور را که در قرن چهارم بزرگ ترین شهر خراسان بود، مهد نخستین مدارس دانسته اند. شهرهای دیگری مثل بلخ، بیهق، سبزوار، بخارا و هرات نیز از مراکز علمی این دوره محسوب می شوند. آورده اند که ربع جمعیت شهر بلخ را روحانیون و فقها و اعضای خانواده آنها و طلاب تشکیل می دادند. وجود مهم ترین مراکز علمی در این دوره در ایران به ویژه بخش شرقی کشور، نشانه توجه مردم این مرز و بوم به علوم و احترام آنان به علما و پیشینه غنی فرهنگ و تمدن آنها است.

فاطمه جان احمدی در صفحه 145 کتاب "تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی" انتشارات دفتر نشر معارف در خصوص مدارس دولتی و خصوصی می نویسد: «مدرسه جایگاهی است برخوردار از

ویژگیهای فکری توأم با اهداف و روشهای مخصوص خود که در تاریخ آموزش در اسلام نقش مهمی ایفا نموده است. هر چند مدرسه با مفهوم آموزشی نوین خود از قرن چهارم هجری شکل گرفت، 10 پیشینه آموزش آن به ادوار گذشته تاریخ بازمی-گردد و به گونه‌ای نتیجه همه مظاهر تعلیمات اسلامی پیش از خود از جمله مسجد بوده است با محفوظ ماندن بخشهایی از سازمان آموزشی مساجد در مدرسه، فعالیت علمی و آموزشی، در خارج از مساجد استمرار یافت و مدرسه به عنوان مرکز تعلیمی بزرگ جهان اسلام به تربیت دانش‌پژوه پرداخت.

این مدارس اولیه با گذشت زمان، دستمایه‌ای برای تکوین مدارس جدیدی شدند که با سبک و روشی نو و سازمانی پیشرو در قرن پنجم هجری شکل گرفتند.

ایشان هم می‌گویند: «مدارس در تمدن اسلامی کار خود را به دو شکل منحصر به فرد «خصوصی» و «دولتی» آغاز کردند. مدارس خصوصی خانه‌هایی بودند که استادان و شاگردان با گرد آمدن در آنجا، به امر تعلیم می‌پرداختند. چنانکه از واژه خصوصی برمی‌آید، عمومی نبودن آن موجب شده است تا نتوان تاریخ دقیقی برای تشکیل نخستین مدرسه خصوصی یافت. اما بی‌گمان استاد در صورت تمکن مالی خود چنین مکان تحصیلی را راه اندازی می‌کرد، یا اشخاص دیگری هزینه‌های مربوط به آن را می‌پرداختند. نخستین نمونه‌های عالی این مدارس در تاریخ علمی نیشابور گزارش شده است.» 11

وی در ادامه می‌نویسد: «در نیمه دوم قرن پنجم هجری تحت نظارت خلافت اسلامی، مدارس دولتی تأسیس شد، مدارسی که به دلیل دارا بودن ساختار علمی متقن در نشر علم و تعریف عملکرد اسلامی، پایگاه مهمی برای اشاعه تفکر مذهبی و سیاسی و حتی فرهنگی وابسته به دربار خلافت اسلامی بود.

این گونه مدارس در عهد وزیر توانای شافعی مذهب دربار سلجوقیان، خواجه نظام الملک طوسی راه اندازی شد (457 ق) و نظامیه نام گرفت. 12 محقق دانشمند سید حسین حر در دو ماهنامه آئینه پژوهش می‌نویسد: «تأسیس مدارس نظامیه با دوران سلطنت آلپ ارسلان سلجوقی (455-465 ق) دومین پادشاه بزرگ این سلسله مقارن بود. ظهور سلجوقیان که نخستین بار از جانب شرق ایران به عرصه تاریخ اسلام قدم نهادند، آغاز دورانی جدید و پر آوازه در قسمت وسیعی از

10 مقریزی، المواعظ و الاعتبار بذكر الخطط و الآثار، ج 4 ص 199

11 همان

12 مقریزی، المواعظ و الاعتبار بذكر الخطط و الآثار، ج 4 ص 199

دنیای اسلام شد. توفیق آنان در تشکیل این امپراتوری مقتدر تنها از آن جهت بود که از وجود مردان لایق ایرانی استفاده نمودند، و از تجارب ذی قیمت آنان در شناسایی احوال این سرزمین و مردمش و آیین ملك داری آنان مدد گرفتند.

شخصیت های مشهور در این نظامیه مشغول به تدریس شدند؛ از جمله عبدالملك بن محمد ملقب به امام الحرمین جوینی بود. (...در هر علمی از علوم متداول او سرآمد همگان و نمونه بارز جهان اسلام بوده است. در زمان وزارت ابونصر کندی در خراسان توهین به مذهب می کردند. امام از خراسان برفت در مکه اقامت گزید و در حرمین شریفین تدریس می کرد. هنگامی که طغرل بیگ مُرد و کندی به قتل رسید، امام به خراسان برگشت. خواجه نظام الملك در نیشابور دانشگاهی ایجاد نمود که ویژه به امام (امام الحرمین) باشد. در دانشگاه نیشابور شاگردان بسیار نامی را پروراند و تألیفاتش منتشر شد. در حلقه درس امام سید فقیه عالیقدر می نشستند. بسیاری از آن شاگردان چون ابوحامد غزالی به درجه استادی و افتا رسیدند...)

ابوحامد غزالی نیز با شوق و ارادت در طی سال هایی که در نیشابور بود، از محضر امام الحرمین بهره برد. هم در درس فقه و هم در مجالس مناظره و درس کلام شرکت می جست. با مایه ای که از طوس و جرجان همراه آورده بود و با شوق و علاقه ای که به درس فقه داشت، به اندک مدت در این کار بین شاگردان امام سرآمد گشت. چنان که در کلام و جدل نیز مهارت بی مانند یافت و درس استاد را گه گاه به عنوان مُعید برای شاگردان دیگر بازگو می کرد و حتی شاگردان امام الحرمین بعضی کتاب ها را نزد وی می خواندند. س

فاطمه جان محمدی در صفحه 146 کتاب « تاریخ و تمدن اسلامی» آورده است :

« زمانی تلاش این وزیر ایرانی در تأسیس این گونه مدارس دولتی فزونی یافت که همه شهرهای مهم جهان اسلام چون بلخ، نیشابور، هرات، اصفهان، بصره، مرو، آمل، موصل، مغرب و اندلس نیز دارای مدارس مشابهی شدند. فاطمیان مصر نیز با الگوبرداری از نظامی ها و برنامه ریزی دقیق در راه اندازی مکاتیب، مدارس و دارالعلم های وسیع و دعوت صاحب نظران و دانشمندان از اقصی نقاط، به توفیقات مهم علمی دست یافتند. هنگامی که الازهر با امکاناتی گسترده به جلب اندیشمندان نایل آمد و در تبلیغ کیش اسماعیلیه پر توفیق

بود، خلافت عباسی ناگزیر به منظور نشر عقاید اهل سنت، از تأسیس مدارس دولتی نظامیه حمایت کرد. از این تاریخ به بعد روش نظام الملک در تأسیس مدارس نظامیه مورد توجه دولتمردان قرار گرفت؛ تا آنجا که در جای جای حکومت اسلامی به شیوه نظامی ها، مدارس دولتی چون مدارس نوریه در شام و یا مدرسه ایوبیان در مصر راه اندازی شد».

برخی از مدارس بزرگ جهان اسلام

1- مدارس بغداد (عراق)

اینکه مدارس خصوصی بغداد در چه تاریخی و چگونه تأسیس شد اطلاع دقیقی در دست نیست، اما تاریخ نخستین مدارس دولتی در این شهر به نیمه دوم قرن پنجم می رسد. در سال 457 هجری به همت خواجه نظام الملک طوسی (م 485 ق) اولین مدرسه تحت نظارت خود را با نام «نظامیه» در شهر بغداد راه اندازی کرد. 13 هرچند دو سال بعد از این تاریخ درهای این مدارس برای استفاده عموم گشوده شد اما در آغاز تنها صاحبان فقه شافعی یا منتسبان به دولت عباسی اجازه ورود به آن را داشتند. در آغاز تأسیس، نظام آموزشی این مدرسه چندان تخصصی نبود.

لیکن رفته رفته با دعوت استادان مبرزی هم چون غزالی به شاخه های متعدد علمی این مدرسه افزوده شد. برای نمونه، کرسی ادب در اختیار گروهی از فضلاء علم و ادب چون خطیب تبریزی و پس از وی شاگردش ابونصر جوالیقی قرار گرفت و کرسی دیگری به علم نحو اختصاص یافت که ابوالبرکات انباری مدرس آن بود.

بیشتر درآمد این مدارس از طریق موقوفات تأمین می شد. به دلیل اختصاص املاک و موقوفه های بسیار به نظامیه ها، اوضاع اقتصادی آنان رو به بهبود نهاد و به عنوان یکی از مدارس متمول جهان اسلام نام برده می شد. ابن جبیر در همین باره متذکر می شود که درآمد حاصل از این املاک، هم به فقیهان و مدرسان و هم به طالبان علم برای گذران معاش خود داده می شد. 14

به روایت منابع، نظامیه بغداد قرن ها بعد از حمله مغول (656 ق) پا برجا بود، چنان که مستشرق انگلیسی، لسترنج بر آن است که نظامیه بغداد تا قرن چهاردهم میلادی همچنان بر پا بوده است.

13 عبدالرحیم غنیمه، تاریخ‌دانشگاه های بزرگ اسلامی، ترجمه نورالله کسائی، ص 124

14 ابن جبیر، سفرنامه، ترجمه پرویز اتابکی، ص 279

از مجموع اطلاعات بدست آمده در کتابهای تاریخی در خصوص نظامیه ها می توان ویژگی های آن مدارس را در موارد ذیل خلاصه نمود :

- 1- تخصصی بودن مدارس در علوم خاص چون فقه و اصول فقه شافعی
 - 2- برخورداری از معماری زیبا ، استفاده از مصالح عالی ، تزئینات برجسته و اثاثیه مرغوب
 - 3- دارا بودن املاک و موقوفات بسیار
 - 4- به کار گیری استادان ممتازی چون غزالی ، امام الحرمین جوینی، شیخ ابواسحاق شیرازی و ابونصر بن صباغ
 - 5- داشتن اماکن رفاهی (آشپزخانه و غذاخوری ، خوابگاه ، مرکز خرید ، حمام و...)
 - 6- اعطای شهریه به دانشجویان
- دو قرن پس از تاسیس مدارس نظامیه ، خلیفه عباسی المستنصر بالله در بغداد به سال 630 هجری ، مدرسه باشکوهی به نام «مستنصریه» بنا کرد. امتیاز این مدرسه نسبت به نظامیه ها این بود که در نظامیه تنها یک مذهب ، آن هم شافعی تدریس می شد ، حال آنکه در مدرسه مستنصریه چهار مذهب اهل سنت در چهار ایوان مجزا تدریس می گردید.
- این مدرسه همچون سایر مدارس بغداد مورد هجوم مغولان قرار گرفت که در نتیجه آن کتاب ها و لوازم و تجهیزات مدرسه غارت و نابود گردید. با تلاش متولیان و گردانندگان این مدرسه بار دیگر مدرسه ی مستنصریه جایگاه علمی خود را بازیافت و به فعالیت علمی ادامه داد. این روند تا زمان تسلط ترکان عثمانی بر بغداد ادامه یافت، تا اینکه سرانجام ترکان عثمانی ضمن مصادره موقوفات مدرسه ، فعالیت علمی آن جا را متوقف کردند. در نهایت سلیمان پاشا ، حاکم ترک بغداد (1217 ه.ق) با تغییر کاربری مدرسه به صورت کاروانسرا و محل جمع آوری و انبار کالا در آمد.¹⁵

- 2- مدارس ایران
- خانم فاطمه جان احمدی در صفحه 150 کتاب « تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی » به مدارس ایران اشاره کرده و می نویسد : « به هر تقدیر ، کهن ترین اخباری که از تأسیس مدرسه در ایران و البته جهان اسلام در دست است ، مربوط به مدرسه

¹⁵ غنیمه . تاریخ دانشگاههای بزرگ اسلامی . ص 126

امام ابوبکر بن فورک اصفهانی (405 ق) است . وی در نیشابور مدرسه ای بنا نمود و در آن به تدریس علوم مختلف پرداخت .

بنا بر این گزارش ، شهرکهن نیشابور از دیرباز به سبقت در تأسیس مدارس خصوصی شهرت داشت و مردم ادب پرور و دانش دوست این سامان به تحصیل دانش علاقه ای وافر داشتند . حکمرانان این شهر در دعوت بزرگان دین و ادب ، گوی سبقت از سایر مناطق ربودند و بر رونق دانش افزایی و علم دوستی افزودند .

وی ادامه می دهد : « مدرسه بیهقیه ی نیشابور که منسوب به ابوبکر احمد بن حسین بیهقی است ، از قدیمی ترین بناهای آموزشی ایران به شمار می آید . این مدرسه سالیان متمادی به آموزش فقه و تدریس حدیث می پرداخت . از دیگر مدارس نامی نیشابور ، مدرسه منسوب به ابومنصور عبدالرحیم بن محمد بیشکی (453 ق) است که با دارا بودن موقوفات بسیار در زمره ی مدارس متمکن ایران بود . مدرسه سعدیه منسوب به امیر نصر بن سبکتکین ، برادر سلطان محمود غزنوی و مدرسه ابوسعید اسماعیل بن علی مثنی استرآبادی نیز از دیگر مدارس دیرینه ی نیشابور اند . افزون بر این ، در سایر شهرهای ایران نیز مدارس تعلیمی برقرار بود . یکی از مهمترین سلسله های دانش دوست ایرانی آل بویه است که در ساخت مدارس شهره اند .

از دیگر سلسله های اسلامی ، سلجوقیان هستند که سال ها بر ایران و سایر نواحی وابسته به آن تسلط داشتند و در تاریخ آموزش و مدرسه سازی نامی نیک بر جای نهادند . شاخص ترین وزیر ایرانی در دربار آلپ ارسلان (465 - 455 ق) و پسرش ملکشاه سلجوقی (485 - 465 ق) خواجه نظام الملک (485 ق) است که به فنون سیاست و مذهب و آداب و رسوم ملک داری آشنا بود .

چنان که پیش تر در تاریخ نظامیه بغداد گفته شد ، اوبرای رفع بحران دربار خلافت عباسیان و بی اثر کردن تبلیغات فاطمیان مصر ، مدارس علمی را بنیان نهاد که با ساختاری نوین و بی سابقه توانست در جهان اسلام تأثیری بسزا بر جای نهد . از این پس شهرهای مهم ایران چون فارس ، بلخ ، نیشابور ، هرات ، مرو ، اصفهان و آمل نیز به تبعیت از مرکزیت خلافت اسلامی (بغداد) ، محل تأسیس مدارس نوبنیاد نظامیه شدند .

3- مدارس مصر

در صفحه 151 کتاب تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی در خصوص مدارس مصر چنین آمده است: « با وجود مراکز علمی و تعلیمی در مصر از هزاران سال پیش ، آموزش مبتنی بر ساختار علمی با آغاز عصر فاطمیان در مصر (567 - 358 ه.ق) تحقق یافت . فاطمیان بر خلاف عباسیان به منظور نشر مذهب اسماعیلیه ، سایر حلقه های علمی اهل سنت را تعطیل نکردند . بطوری که ، در خلافت بالغ بر دویست ساله آنها کلاس های درس سایر فرق نیز بر پا بود .

دو مدرسه فعال در مصر ، یکی مدرسه وزیر رضوان ولخشی (532 ه.ق) و دیگری مدرسه وزیر ابن سلار (544 ه.ق) در تاریخ آموزش مصر از اهمیت بسیاری برخوردارند . وجود این دو مدرسه سنی مذهب در مصر عصر فاطمی ، دلیلی بر مدعای سیاست تسامح فاطمیان نسبت به اهل سنت و سایر فرق مذهبی و حتی اهل ذمه است . همچنین وجود این مدارس بعدها زمینه ای برای تأسیس « مدارس ایوبیه » در مصر شد .

صلاح الدین ایوبی (589 ه.ق) که فاتح مصر و ساقط کننده دولت فاطمی (567 ه.ق) بود ، حکومتی سنی مذهب را در مصر راه اندازی کرد . وی بعد از استقرار حکومتش در مصر به تأسی از خواجه نظام الملک در بغداد و ایران و به تبع نور الدین زنگی (592 - 582 ه.ق) در شام ، به تأسیس سیزده مدرسه مهم و فعال در مصر اقدام کرد . از میان آنها

¹⁶ استاد عبدالرحیم غنیمه در فصل پنجم کتاب خود به سیزده مدرسه که صلاح الدین ایوبی آنها را بنا کرد بشرح ذیل نام می برد :

- 1-مدرسه ناصریه (زین التجار - 591 ه.ق)
- 2-مدرسه قمحیه (566 ه.ق)
- 3-مدرسه سیوفیه (522 ه.ق)
- 4-مدرسه صلاحیه (تاج المدرس - 572 ه.ق)
- 5-دارالعلم
- 6-مدرسه فاضلیه (580 ه.ق)
- 7-مدرسه ابن الأرسوقی (570 ه.ق)
- 8-مدرسه منازل العز (571 ه.ق)
- 9-مدرسه قطیبیه (570 ه.ق)
- 10-مدرسه عادل در فسطاط (596-615 ه.ق)
- 11-مدرسه قطیبیه جدید
- 12-دارالحديث کاملیه (615-635 ه.ق)
- 13-مدرسه صاحبه (641 ه.ق)

البته در مصر مدارس دیگری وجود داشت که مربوط به حاکمیت ممالیک بوده است. از جمله مدرسه ظاهریه (662 ه.ق) و مدرسه ظاهریه جدید که به چهار مذهب اهل سنت اختصاص داشت. موسس این مدرسه هم ظاهر بیبرس بوده است.

مدرسه منصوریه در اندرون دروازه بیمارستان بزرگ منصوریه قاهره (683 ه.ق) ، مدرسه ناصریه در کنار گنبد منصوریه (703 ه.ق) ، مدرسه طیبسیه (709 ه.ق) ، مدرسه اقبغویه (740 ه.ق) ، مدرسه جمالیه (730 ه.ق) ، مدرسه جاوویه در قاهره (723 ه.ق) ، مدرسه صرغتمسیه (757 ه.ق) ، مدرسه سلطان حسن (757 ه.ق) ، مدرسه ظاهر برقوق در قاهره (813 ه.ق) و مدرسه غوری قاهره توسط ملک قانصو غوری (910 ه.ق) ایجاد شد. ذکر نام تمامی این مدارس در خطط مقریزی و حسن المحاضره سبوطی با شرح مفصل آمده است که در فصل پنجم کتاب دانشگاههای بزرگ اسلامی به تالیف عبدالرحیم غنیمه هم می توان با آنها آشنا شد.

مدرسه "صلاحیه" از هیبت و عظمت ویژه ای برخوردار است . سیوطی معتقد است که باید این مدرسه را تاج المدارس بخوانند ؛ زیرا نه تنها از بزرگترین مدارس آن روزگار به شمار می آمد ، بلکه از آن روی که در جوار آرامگاه شافعی با گردیده بود ، می توانست نزد اهل سنت از مکانت خاصی برخوردار باشد .

عصر دولت ایوبی به عنوان طلایه دار نهضت تاسیس مدارس در حالی به پایان رسید که دو دولت مملوکی یکی پس از دیگری در مصر به حکومت رسیدند . این دو دولت که میراث بران عصر فاطمی و ایوبی بودند ، علاوه بر نگهداشت مدارس و آموزشگاه های پیشین خود ، مدارس بزرگ و فعال نیز تاسیس نمودند . تلاش بی وقفه آنها در راه اندازی و تجهیز مدارس علمی ، دوره ای متفاوت را رقم زد . در این دوره به دلیل رونق اقتصادی ، بالا گرفتن مراودات تجاری ، افزایش نقدینگی ، ثروت و اختصاص اوقاف به آنها ، مدارس عالی در مصر ایجاد شدند که مشابه آنها در جهان اسلام کمتر یافت می شد .

آنچه به افزایش تعداد مدارس و بالارفتن سطح کیفی و گسترش دامنه فعالیت آنها انجامید ، تحولات و دگرگونی ناشی از حمله مغول ، ویرانی مدارس اسلامی ایران بغداد و انتقال موارث آنها به غرب عالم اسلامی (قاهره) بود ، هرچند در این باره هرگز نباید امتیازات فکری و فرهنگی دولت مملوکی را فراموش نمود . «

ویژگی های عمومی مدارس مصری از این قرار بوده است :

- 1- کثرت مدرسه سازان و سبقت خیران و واقفان در امر ساخت مدرسه .¹⁷
- 2- وسعت زیاد مدارس و برخورداری از معماری زیبا و شگرف .
- 3- تجهیز مدارس با بهترین وسایل ممکن .
- 4- ایجاد امکانات رفاهی چون کتابخانه و قرائت خانه ، خوابگاه ، آشپزخانه ، محل خرید و حمام .
- 5- دارا بودن املاک موقوفه با درآمدهای قابل توجه برای دخل و خرج مرکز تعلیمی .
- 6- اعطای مستمری به استادان و مدرسان .
- 7- اعطای شهریه به دانشجویان و علم آموزان .

¹⁷ مقریزی، المواعظ و الاعتبار بذكر الخطط و الاثار

4- مدارس شام

خانم فاطمه جان احمدی در صفحه 153 کتاب "تاریخ و فرهنگ تمدن اسلامی" در مورد مدارس شام می نویسد: « سرزمین شام دارای مساجد بسیاری بود که بیشترین آنها به تعلیم قرآن و علوم مرتبط با آن و یا علوم حدیثی اشتغال داشتند . نخستین کسی که مدرسه قرآنی را در شام تاسیس نمود ، رشا بن نظیف دمشقی (444 هـ) بود که بدین مناسب آن را در دارالقرآن و یا مدرسه ی "رشائیه" نامیدند . در عصر فاطمیان نیز دارالحکمه ای مشابه دارالحکمه مصر ، در شام تاسیس شد . از میان نام آوران مدرسه ساز در شام نام سیف الدوله حمدانی شیعه مذهب شایسته توجه است . مدارسی که وی ساخت از عمده وسائل رفاهی برخوردار و مجهز به کتابخانه بود . یکی دیگر از مدرسه سازان نامی این سرزمین نورالدین محمود بن زنگی است . به اهتمام او بزرگترین مدرسه ی اهل سنت به نام مدرسه س «نوریه کبری» ساخته شد .

این مدرسه به عنوان یکی از بهترین نمونه های مدارس شبانه روزی است که در سال 567 هجری بنا شده است . استحکام معماری آن به حدی است که تاکنون بخش های مهمی از آن باقی مانده است . بخش های الحاقی به این مدرسه بسیار درخور توجه است : ایوان این مدرسه همان کلاس درس و یا محل اجرای حلقه های آموزشی بود و مسجد نیز روبروی ایوان قرار داشت و محلی همگانی بود . اتاق های مخصوص استادان و آسایشگاه موقت ایشان نیز از ممیزات این بناست . خوابگاه های دانشجویان و محل آبدارخانه ، آشپزخانه و نهارخوری متصل به آن و انبار مواد غذایی و سایر اماکن رفاهی ، همه در ساختمان مدرسه به شکلی زیبا کنار هم قرار گرفته بود .

موقوفات بسیاری نیز به مدرسه اختصاص داشت که درآمد تنها بخشی از آن پانصد دینار مغربی برآورد شده است.حافظان و قاریان قرآن و طالبان علوم دینی در این شهر مقام بلندی داشتند و خانه های بسیاری به آنها وقف شده بود. یکی از ویژگی های این مدارس ، راحتی خیال طالبان علم از امرار معاش بود ؛ زیرا مستمري مناسب و محل اسکان درخور توجه به آنها داده می شد . «

مدارس دیگری همچون "دارالحديث" ، مدرسه " ناصریه قدس" (584 هـ.ق) که توسط صلاح الدین ایوبی بنا نهاده شده است و

مدرسه "عادلیه بزرگ دمشق" (615 ه.ق) ، مدرسه "اقبالیه حنفیه" و مدرسه "اقبالیه شافعیّه" و مدرسه "شامیه جوانیه" و مدرسه "شامیه برانیه" و مدرسه "رواحیه دمشق" و "رواحیه حلب" و مدرسه "ظاهریه جوانیه دمشق" و مدرسه "علمیه دمشق" هم از دیگر مدارس هاستندکه مقریزی وغنیمه و نعیمی از آنها یاد کرده اند.

5- مدارس مغرب

در صفحه 154 کتاب " تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی" در مورد مدارس مغرب اسلامی چنین می خوانیم : «مغرب اسلامی متأثر از مصر و سایر سرزمین های شرق اسلامی به نهضت مدرسه سازی روی آورد . دو دولت مهم حفصی و مرینی از پیشتازان تاسیس مدرسه در سرزمین های مغرب اسلامی هستند . بانو امیره عطف ، یکی از بانیان و خیران مدرسه سازی است که در سال 650 هجری نخستین مدرسه را بنا نهاد . پس از او سایر امیران ، بزرگان و اشراف به مدرسه سازی پرداختند .

مدارسی چون شماعیه (647 ه.ق) ، هواء یا توفیقیّه (647 ه.ق) ، معرضیه (683 ه.ق) (مدرسه فاس جدید) صهریح ، عطارین فاس (723 ه.ق) ، عظمی مراکش (723 ه.ق) ، مصباحیه (747 ه.ق) و عنانیه فاس (756 ه.ق) و عنانیه مکناس (756 ه.ق) از بزرگترین و بهترین مدارس مغرب اسلامی به شمار می آیند .

عمده ترین ویژگی های مدارس مغرب بدین قرارند .

1. برخورداری از فضای مناسب و معماری زیبا .
2. دارا بودن سالن های کتابخانه ای مجهز .
3. برخورداری از استادان برجسته و صاحب نام .
4. اعطای تسهیلات به دانشجویان و استادان .
5. داشتن موقوفات بسیار .

6- مدارس اندلس

سرکار خانم فاطمه جان احمدی در صفحه 155 کتاب خود در خصوص مدارس اندلس می نویسد: « در تاریخ تاسیس نخستین مدرسه در اندلس به سال 750 هجری می رسد . دلیل این تاخیر بی شک به عدم استقرار سیاسی و فرهنگی این منطقه بازمی گردد . مسجد در اندلس از همان آغاز حضور فاتحان مسلمان ، حیات و جایگاه علمی اش را دارا بود ؛ به گونه ای که در مساجد جامع شهرهای بزرگ ، تدریس و تحصیل در تمامی دوره های تاریخی آن جریان داشت ، اما بی گمان بنیاد سبک

آموزشی مدرسی با آغاز دوره وزارت رضوان نصری انجام شد .
ابن خطیب در این باره می نویسد :
او مدرسه را که تا آن زمان در غرناطه سابقه نداشت ،
تاسیس کرد و اراضی غله خیز به آنجا وقف نمود و انجام
این کار بزرگ به او اختصاص داشت . این مدرسه از نظر
شکوه و برخورداری از اعتبارات مالی ، و زیبایی و والایی
در نوع خود بی مانند بود « .¹⁸

7- مدارس شیعیان

سازمان مدارس بر پایه يك اسلوب شایسته و برتر از سده
پنجم هجری در جامعه اسلامی رسمیت و گسترش یافت. شیعیان
هم از این شیوه مطلوب ایجاد مدارس و نظم دادن به زندگی
طلاب و دانشمندان پیروی کردند و سرانجام مدرسه به صورت
يك نهاد عمومی و معمول آموزشی در میان همه گروههای
مذاهب اسلامی گسترش یافت و تلاش هایی که در این زمینه
صورت گرفت به مذاهب اهل سنت منحصر و محدود نبود.
از مهمترین مدارس شیعی مدرسه ای است که در نزدیکی
آرامگاه علی حضرت (ع) در نجف اشرف در عراق بنیاد گردید.

8 - نظامیه ها

اگر چه نظامیه ها را نمی توانیم از مدارس دولتی بزرگ
اسلامی جدا به پنداریم و در گذشته هم ذکر از آن به میان
آمد. لیکن به دلیل اهمیت و نقش نظامیه ها در تاریخ و
تمدن اسلامی این بخش را جداگانه مورد بررسی قرار می
دهیم .

انگیزه ها در تشکیل نظامیه ها

استاد غنیمه در ادامه فصل چهارم کتاب خود به انگیزه
سلجوقیان اهل سنت به گسترش نظامیه ها اشاره کرده و می
نویسد :

« مذاهب اهل سنت از آغاز قرن سوم هجری آن حاکمیتی را که
از اوائل خلافت عباسیان بر حیات فکری اسلامی به دست آورده
بود و در روزگار حکومت هارون الرشید [170 - 193 ه.ق] به
عالیترین مراتب و مراحل شکوفایی و اعتلاء خود رسیده بود
به تدریج از دست داد. با فرا رسیدن قرن سوم هجری نهضت
فرقه معتزله با تائید و پشتیبانی مأمون عباسی و تحمیل

¹⁸ ابن خطیب الاحاطه فی اخبار غرناطه . جلد 1 صفحه 29

آراء و عقاید این مکتب بر مردم به اوج قدرت و عظمت خود رسید و دو خلیفه پس از مأمون یعنی معتصم و متوکل نیز روش وی را در این زمینه دنبال کردند تا در روزگار خلافت واثق با شروع و گسترش دعوت اسماعیلیان جنبش معتزله رو به سستی نهاد و تبلیغات سری و نهانی اسماعیلی که از آغاز قرن دوم هجری شروع شده بود در این دوره امکان آن را یافت که مواضع خود را استوار کرده به تاسیس دولت اسماعیلی فاطمی در غرب جهان اسلام قیام کند. این دولت نو بنیاد پس از مدتی متوجه مصر شد و در آن سرزمین استقرار کامل یافت. همزمان با پیدایش اینگونه تحولات سیاسی مذهبی در غرب اسلام شیعی مذهب آل بویه نیز بر مناطق شرقی جهان اسلام چون فارس و عراق دست یافته خلافت عباسی را مطیع و فرمانبردار خود ساختند و با حمایت کامل از تشیع، افکار و عقاید شیعی با آزادی کامل چونان آفتاب نیمروزی تجلی و خودنمایی کرد.

چندی نگذشت که با دست یافتن ارسلان بساسیری سردار انقلابی شیعه بر بغداد و ایراد خطبه در سال 450 ه.ق به نام مستنصر خلیفه فاطمی مصر قدرت شیعه به بالاترین درجه خود رسید و بانگ اذان با عبارات و شعائر مخصوص شیعه در بغداد، در حقیقت به منزله اعلان استیلا و سیادت خلفای فاطمی بر منطقه عراق بود.

همزمان با آن همه آشوب و بلوایی که علیه مذاهب اهل سنت برپا شد و به غلبه بر خلافت عباسی منجرگردید، نیروی عظیم و بی سابقه به صورت نگاهبان خلافت عباسی و مطیع و هوادار خلفای سنی مذهب بغداد در عرصه سیاسی اسلام خودنمایی کرد و بار دیگر با تجدید حیات عقائد اهل سنت و احترام به خلفای سنی مذهب عباسی آب رفته را به جویبار رو به زوال خلافت عباسی بازگردانید. این نیروی پر توان و تازه نفس همان حکومت ترکمانان سلجوقی بود که در شرق ایران شکل گرفت و به زودی در دارالخلافه بغداد حضور فعال یافت.

نقش دولت سلجوقی در تاسیس نظامیه ها از دو جهت مهم بود :

نخست اینکه : سلجوقیان در زمره هواداران و نگاهبانان خلافت عباسی درآمدند و پس از اشغال بغداد در سال 451 هجری توسط نیروهای طغرل بك و کشتن [ارسلان] بساسیری ترکان سنی مذهب سلجوقی جانشین بویهیان شیعی مذهب در بغداد مقرر خلافت عباسیان شدند و پس از طغرل [429 - 455 ه.ق] و

برادر زاده وي آلپ ارسلان [455 - 465 ه.ق] آن قسمت از قلمرو خلفاي عباسي را که تا دمشق به دست فاطميان مصر افتاده بود از دست آنان خارج ساخت.

دوم اينکه : سياست مذهبي سلجوقيان به طور کلي بر اساس تقويت و پشتيباني از اهل سنت و از بين بردن جنبش هاي شيعي اعم از اسماعيلي و عثني عشري ، استوار بود. طبيعي است که اتخاذ روش هاي تعليماتي و برنامه هاي آموزشي از بزرگترين عوامل موثر و دست آويزي بود که مي توانست در مبارزه عليه تبليغات شيعي به کار آيد و در حقيقت استفاده از اين روش براي محو آثار و انگيزه هاي شيعي و معتزلي که تقريباً در طول دو قرن سوم و چهارم خاموشي و خفقان مذاهب اهل سنت را موجب گرديده بود امري جدي و ناگزير مي نمود.

نقش نظام الملك در نهضت تاسيس مدارس استاد عبدالرحيم غنيمه در صفحه 116 کتاب تاريخ دانشگاههاي بزرگ اسلام در خصوص نقش نظام الملك مي نويسد : « نظام الملك طوسي وزير دانشمند و آگاه به جميع فنون سياست و مذهب و آداب و رسوم ملڪداري که سالها وزارت آلپ ارسلان دومين پادشاه سلجوقي و پسرش ملڪشاه را برعهده داشت ، او نخستين کسي بود که به اهميت اين موضوع و ابعاد سياسي و اجتماعي آن پي برد و اين حقيقت را به خوبي دريافت که جنبش حاصل از ايجاد مدارس خصوصي به نوبه خود بهترين دست آويز و راه چاره براي احياء و اشاعه فرهنگ اهل سنت و مقابله با تبليغات مخالف بوده است.

از اين رو بر آن شد که در ضمن جانبداري و حمايت همه جانبه از اين قبيل مراکز آموزشي خود نيز به تاسيس مدارس وسيعتر و با سازمان و تشکيلات جديد و بي سابقه بپاخيزد و در پي اين تصميم مدارس جديدي در مشهورترين شهرهاي عراق و فارس و بغداد و بلخ و نيشابور و هرات و اصفهان و بصره و مرو و آمل و موصل ايجاد کرد و اين کار را تا آنجا ادامه داد که گویند در هر شهري از شهرهاي عراق و خراسان مدرسه اي تاسيس کرد .

مهمترين و بزرگترين مدارس نظام الملڪي مدرسه نظاميه بغداد بوده است که بناي آن در سال 457 ه.ق آغاز شد و در 459 ه.ق به پايان رسيد و در مراسم گشايش آن جشن بزرگي برپا گرديد. خواجه بزرگترين استادان و فقه شافعي آن زمان را مامور تدريس در اين مدرسه کرد. فقهاي نظير شيخ

ابو اسحاق شیرازی و پس از وی ابونصر بن صباغ در نظامیه بغداد و ابوالمعالی جوینی ملقب به امام الحرمین در مدرسه نظامیه نیشابور از نخستین استادان نظامیه ها بوده اند.

البته غنیمه در ادامه اشاره می کند که به اینکه نظام الملک نخستین کسی نبوده است که در زمینه ایجاد مدارس اسلامی اقدام کرده است، فلذا می نویسد:

«1- خواجه نظام الملک طوسی نخستین فردی بود که تاسیس مدارس را جزو برنامه ها و وظایف دولت قرار داد و این روش او مورد تقلید و پیروی همه دولت های اسلامی قرار گرفت که در دوره های پس از وی در قلمرو اسلام به قدرت رسیدند و این رویداد مهم فرهنگی فرصت مناسبی برای مدارس اسلامی بود تا با فراغت خاطر و برخورداري از هزینه های مکفی و مستمر برای اداره مدرسه و ایجاد تسهیلات برای تنظیم برنامه های اداری و رسیدگی به وظایف آموزشی به نحو مطلوب به حیات علمی خود ادامه دهند. این اقدامات و برنامه های جدید تا پیش از این تحول در مراکز آموزشی قبل از مدارس یعنی مساجد و دارالعلم ها سابقه نداشت.

2- خواجه نظام الملک نخستین کسی بود که پراکندگان سنی مذهب از فرقه شافعی و اهل حدیث و اشعری مذهبان را فرا خواند و بنیانی را که بر اثر طغیان مذاهب مخالف چون معتزله و شیعه و فرقه های متعدد و جمعیت های سری و علنی آنان در شرف محو و نابودی بود همه را متحد و یکپارچه ساخت و آنان را در جبهه واحدی بر علیه مذاهب مخالف بسیج کرد.

3- نظام الملک نخستین کسی بود که مذهب شافعی را به عنوان مذهب رسمی و مورد قبول خلافت عباسی در عراق و قسمت شرقی اسلام رواج داد و نسبت به تاسیس مدارس شافعیه برای ترویج و تحکیم مبانی این مذهب قیام کرد در صورتی که تا پیش از این اقدامات اساسی، مذهب برتر همان مذهب حنفی بود.»

مدارس نظامیه در آغاز تاسیس با مدارس ملی یاد شده پیش از خود چندان تفاوت نداشت و این مدارس در مراحل شروع مبتنی بر تدریس یک استاد بود و تا مدت زمانی که تاریخ دقیق آن به درستی بر ما معلوم نیست تعداد استادان و علوم در آن معمول نبوده است و به احتمال زیاد این امر دست کم تا زمان خواجه سابقه نداشته است. اما پس از چندی استادان مدرسه در رشته های درسی زیاد شد. مثلا کرسی مخصوص تدریس ادب به ترتیب در اختیار گروهی از بزرگان و

رجال ادب مانند خطیب تبریزی (م 502 هـ.ق) و پس از وی شاگردش ابومنصور جوالیقی (م 529 هـ) قرار گرفت و یک کرسی نیز به نحو اختصاص یافت و ابوالبرکات انباری (م 577 هـ) از جمله استادانی بود که تولیت تدریس این رشته را داشت و برای هر ماده درسی به ترتیب از وجود رجال علمی و ادبی متخصص آن رشته استفاده می شد.»

با تاسیس مدارس نظامیه تحت توجه دولت و رسیدگی کاملی که به همه کارهای آن مبذول می گردید حرکت دانشگاه اسلامی به مرحله ای جدید از تحول و سیر به سوی کمال وارد شد، به صورتی که تعلیمات دانشگاه اسلامی خود به خود از مسجد مستقل گردید. هرچند که به حیات علمی این مراکز پایان نداد و فعالیت مختصری در این زمینه برای مساجد باقی ماند. دانشگاه اسلامی از این دوره به صورتی درآمد که تعلیم از اهداف اساسی معمول در آن شد و از این جنبه بر دارالعلم ها برتری یافت.

همچنین تنظیم برنامه شبانه روزی برای این مدارس و در نظر گرفتن مسکن و مدد معاش و حقوق و مستمری و تامین هزینه های تحصیلی برای استادان و دانشجویان موجب شد که دانش و دانشمندان و دست اندرکاران امور علمی از نوعی استقرار مالی در زندگی برخوردار شوند از بابت تامین مخارج خوراک و مسکن آسوده خاطر گردند، و فرصت یابند که با فراغ بال و آسودگی خیال به تدریس و بحث بپردازند.

تأسیس مدارس نظامیه در نیشابور نیز با دوران سلطنت آلپ ارسلان سلجوقی (455-465ق) دومین پادشاه بزرگ این سلسله مقارن بود. ظهور سلجوقیان که نخستین بار از جانب شرق ایران به عرصه تاریخ اسلام قدم نهادند، آغاز دورانی جدید و پر آوازه در قسمت وسیعی از دنیای اسلام شد. توفیق آنان در تشکیل این امپراتوری مقتدر تنها از آن جهت بود که از وجود مردان لایق ایرانی استفاده نمودند، و از تجارب ذی قیمت آنان در شناسایی احوال این سرزمین و مردمش و آیین ملك داری آنان مدد گرفتند.

شخصیت های مشهور در این نظامیه مشغول به تدریس شدند؛ از جمله عبدالملك بن محمد ملقب به امام الحرمین جوینی بود. خواجه نظام الملك در نیشابور دانشگاهی ایجاد نمود که ویژه به امام (امام الحرمین) باشد. در دانشگاه نیشابور شاگردان بسیار نامی را پروراند و تألیفاتش منتشر شد. در حلقه درس امام سیصد فقیه عالیقدر می نشستند. بسیاری از

آن شاگردان چون ابوحامد غزالی به درجه استادی و افتا رسیدند.

شخصیت برجسته دیگر در نظامیه نیشابور ابوحامد غزالی بود، که با شوق و ارادت در طی سال‌هایی که در نیشابور از محضر امام الحرمین بهره برد. او هم در درس فقه و هم در مجالس مناظره و درس کلام شرکت می‌جست. با مایه‌ای که از طوس و جرجان همراه آورده بود و با شوق و علاقه‌ای که به درس فقه داشت، به اندک مدت در این کار بین شاگردان امام سرآمد گشت. چنان که در کلام و جدل نیز مهارت بی‌مانند یافت و درس استاد را گه‌گاه به عنوان مُعید برای شاگردان دیگر بازگو می‌کرد و حتی شاگردان امام الحرمین بعضی کتاب‌ها را نزد وی می‌خواندن.

در این باب گفته‌اند که حتی برخی از علمای غیر شافعی برای احراز مقام تدریس در آنجا تغییر مذهب می‌دادند؛ زیرا نظامیه‌ها تنها اختصاص به شافعیان داشت.

قزوینی، در آثار البلاد و اخبار العباد، ص 112 می‌نویسد: « احمد بن علی بن برهان (متوفی 518ق) یکی از این علما نخست حنبلی مذهب بود که برای کسب امتیاز تدریس نظامیه، مذهب شافعی را پذیرفت. به غیر از نیشابور و بغداد شهرهای اصفهان، بصره، بلخ، هرات، مرو، آمل، طبرستان و موصل دارای نظامیه بودند. مدارس نظامیه تا دیرگاهی از مراکز مهم علم و مذهبی دنیای اسلام بود. استادان آن غالباً اهل علم و افقه دانشمندان عصر بودند. دانش‌پژوهان از اقطار بلاد اسلامی بدان جا روی می‌آوردند و تحصیل در نظامیه را بزرگ‌ترین افتخار علمی و اجتماعی خود می‌دانستند. فارغ‌التحصیلان نظامیه‌ها همان‌گونه که منظور مؤسس آن بود، به عالی‌ترین مراتب علمی و سیاسی و مذهبی آن زمان نائل می‌شدند. در این دانشگاه‌های کهن اسلامی به منظور رفاه استادان و دانشجویان، مسکن و معاش در نظر گرفته شده بود. کتابخانه‌های بزرگ و مجهز این مدارس انواع اقسام کتب را در اختیار طلاب علم قرار می‌داد، و شخصیت‌های برجسته مسئول کتابخانه بودند. (ابوزکریای تبریزی یکی از مؤلفان ممتاز بود. موقعی که دانشگاه نظامیه در شهر بغداد ایجاد شد، ابوزکریا سرپرست کتابخانه آنجا شد.»

در مورد سازمان مدارس، دکتر کسائی، در کتاب مدارس نظامیه، ص 14 آورده است: « مجالس وعظ و خطابه نظامیه‌ها برای استفاده عموم دائر بود. اعضای گروه آموزشی این

مدارس، درجات معین و مخصوص به خود داشتند و با عناوین مدرس، نائب، معید، فقیه، خازن المكتبه (کتابدار) در این مناصب انجام وظیفه می نمودند و کلیه این برنامه های ابداعی و ابتکاری، سرمشقی شد برای آن دسته از مؤسسات عالیہ اسلامی و حتی کهن ترین دانشگاه های اروپایی که پس از نظامیه ها به وجود آمد.

تأسیس مدارس نظامیه، آغاز نهضتی چشمگیر در گسترش دامنه مدارس اسلامی گردید، و بسیاری از بزرگان علمی و سیاسی را بر آن داشت که با تأسی از روش خواجه نظام الملک به تأسیس مراکزی از این نوع مبادرت ورزند؛ چنان که فاصله نیمه دوم قرن پنجم تا حمله مغول در نیمه دوم قرن هفتم در تاریخ علمی اسلام، به وفور مدارس، ممتاز و مشهور گردیده است. اشتغال به تدریس در مدارس نظامیه تحت شرایط و ضوابط خاص و منوط و موکول به موافقت و اجازه واقف مدرسه و حکام و امیران وقت بود و با برقراری حقوق و کمک هزینه برای استاد و دانشجو، زندگی اقتصادی و معیشتی آنان به تدریج سر و سامان گرفت.

در کتاب ابوحامد غزالی، شك و شناخت (المنقذ من الضلال) ترجمه صادق آئینه وند، ص6 در مورد نظامیه بغداد می نویسد: « در امر تدریس نظامیه بغداد، از اساتید صاحب نام و مشهوری چون (ابو اسحاق شیرازی) (متوفی 496) و امام محمد غزالی (متوفی 505) و مانند آنها بهره گرفته می شد و عنوان (مدرس نظامیه از عناوین بسیار مهم علمی محسوب می گردید.) غزالی در سال 484ق از طرف خواجه نظام الملک به استادی نظامیه بغداد برگزیده شد و از طوس برای انجام این مهم رهسپار بغداد شد. وی به سبب فصاحت گفتار و رسایی نوشتار و نکته سنجی های خاص خویش، شهرت فراوان به دست آورد و در حالی که در سال 488ق در اوج شهرت و شوکت بود و به قول خودش در المنقذ در کلاس درسش حدود سیصد دانشجو شرکت داشتند، تدریس را رها کرد و همچون ناصرخسرو سفر قبله در پیش گرفت.»

مواد درسی مدارس

مدارس نظامیه صرفاً مدارسی مذهبی و دینی بود. طبق نص وقفنامه واقف و مؤسس آن تحصیل و تدریس در نظامیه ها تنها به شافعی مذهبان اختصاص داشت. مواد و رشته های درسی آن عبارت بودند از: **فقه، حدیث، کلام، منطق، ادب، قرآن و تفسیر.** درس طب و ریاضی چندان مورد توجه نبود و

با علوم فلسفی و مسائل ماوراء الطبیعه و نجوم به شدت مبارزه می شد. با وجود این مراکز در جهان اسلام، تعلیم و تعلم تنها در مسجد و مکتب یا مدرسه صورت نمی پذیرفت، بلکه مراکزی دیگری چون خانه، بیمارستان، رصدخانه، خانقاه و مانند اینها نیز از پایگاه های مهم آموزشی برای مشتاقان و طالبان علم و دانش بود.

با بررسی کتابهای "تاریخ دانشگاههای بزرگ اسلام" تالیف عبدالرحیم غنیمه، "سیر آرای تربیتی در تمدن اسلامی" تالیف بهروز رفیعی، "تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی" تالیف فاطمه جان احمدی و برخی منابع دیگر، به نظر می رسد مواد درسی ذیل در در مدارس مورد توجه و با اولویت های گوناگون تدریس می شده است.

1- فقه و حدیث

2- ادب و لغت

3- علوم ریاضی

4- علم تاریخ

5- فلسفه

البته منظور ما از فلسفه در اینجا همان فلسفه یونانی ترجمه شده [به زبان عربی] است که با وجود اندک تشویقی که از سوی حکمرانان عصر اول عباسی در گسترش آن به عمل آمد نتوانست آشکارا و بی پرده با مساجد و مدارس به پیکار برخیزد. چون جامعه اسلامی عموماً از مسائل فلسفی گریزان بود، به ویژه اندلس که فلسفه مدت زمانی در آن دیار تحت فشار بود. به هر حال تدریس فلسفه اگر هم وجود داشته در مدارس غیر سنی همچون اسماعیلیه بوده است.

6- علوم تجربی : شیمی ، پزشکی ، علوم طبیعی

7- زبانهای خارجی

روش های تدریس با بررسی کتابهای "تاریخ دانشگاههای بزرگ اسلام" تالیف عبدالرحیم غنیمه، "سیر آرای تربیتی در تمدن اسلامی" تالیف بهروز رفیعی، "تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی" تالیف فاطمه جان احمدی و برخی منابع دیگر، به نظر می رسد این روشها در مدارس معمول بوده است.

1- حلقه های درس : حلقه ای که دانشجویان در پیرامون استاد خود تشکیل می دادند از جمله روشهای رائج و معمول در دانشگاههای اسلامی بوده است. استاد به هنگام نشستن مجلس [درس] خود را پای یکی از ستون های مسجد قرار می داد و رو به سوی قبله بدان ستون تکیه می کرده است .

2- روایت : روایت یکی از پایه های برنامه آموزشی اسلامی است. به گمان برخی، توجه زیاد به روایت، ریشه در طبیعت عقل عرب و توانایی کامل این قوم در نگهداری مطالب مربوط دارد، و یکی از علل آن، بی سوادی فراگیر اعراب صدر اسلام بود، به طوری که آنان راهی جز حفظ و روایت، پیش روی خود نمی دیدند.

با طلوع خورشید اسلام، قرآن و به ویژه حدیث نبوی، عمده ترین ماده روایت در میان مسلمان گردید. آنان آیات قرآن و آنچه را که از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می شنیدند، برای دیگران روایت می کردند. شد.

شیوه روایت، هنوز هم در جلسات درس اساتید و مدرسان حوزه علمیه، محرک اصلی آغاز مباحث و آماده ساختن ذهن طلاب برای وارد شدن در مطلب و پیگیری مباحث به شمار می آید. روایت، ممکن است استناد به آیه یا آیاتی از قرآن کریم، یا حدیثی از پیامبرگرامی اسلام صلی الله علیه و آله ، یا ائمه اطهار علیهم السلام باشد.

3- سماع : رایج ترین و پذیرفته ترین روش تدریس سماع بوده است که استاد خود (خارج از کتاب یا از بر) درس را برای کلاس یا فرد می خواند.

4- املاء : املاء روشی بود که در پی سماع مرسوم گردید. رواج املاء از جمله نتایج انتشار کاغذ و گسترش دامنه کتابت بود. تفاوت املاء با سماع در این بود که در سماع استاد به نوشتن مطالب از سوی طلاب توجه نداشت و استاد تنها به القاء حدیث می پرداخت و دانشجویان به گفته هایش گوش فرا می دادند برخی هم می نوشتند و برخی نمی نوشتند. اما در املاء استاد هر کلمه را با ضبط دقیق بیان می کرد و دانشجو هم سماع خود را به دقت می نوشت.

5- قرائت : قرائت وسیله برای تدریس و روایت يك موضوع علمي بود که غالباً از نتایج علمی خود استاد هم نبود. بیشتر

محدثان به قرائت عنوان عرض داده اند ، خواه اینکه خود دانشجو بخواند یا اینکه دیگری بخواند و او از طریق نوشته یا حفظ به مطلب گوش فرا دهد.

6- اجازه : اجازه روش دیگر آموزش است. بدین گونه که به شخص اجازه می دادند بخش معینی از کتاب یا دفتر حدیث را روایت کند.

7- رحله : رحله یا سفر علمی را شاید بتوان یک روش آموزشی دانست گرچه در اصل شیوه ای برای دست یافتن به دانش بیشتر است.

8- حفظ : روش دیگر آموزش حفظ است. دانش پژوهان در دوره های مختلف زندگی بدان روی می کردند و کتابها، روایات و قرآن را به خاطر می سپردند.

روش مطالعه :

مطالعه به شیوه سنتی، ویژه حوزه است. استاد مرتضی مطهری (ره) مراحل تحصیل طلاب علوم دینی، را چنین بیان می کند:

مرحله اول: گرفتن درس «یادگیری»

مرحله دوم: مطالعه دقیق «خواندن»

مرحله سوم : مباحثه

مرحله چهارم : نوشتن

مرحله پنجم : تدریس

مراحل یاد شده، بعد شناختی و طبقات مربوط به شکل یادگیری دانش و معلومات اساسی و مقدماتی را شامل می شود. دو مرحله مباحثه و نوشتن، تقویت کننده فرایند یادگیری در نظام آموزشی حوزه است و نقطه قوت این نظام به شمار می رود و در نظام های آموزشی غیر حوزوی کمتر به چشم می خورد.

وظایف متقابل استاد و شاگرد در مدارس دولتی اگر بخواهیم بطور خلاصه و از مجموع مطالعات صورت گرفته و بررسی های بعمل آمده وظایف متقابل استاد و شاگرد را در چند بند بیاوریم باید بگوییم :

الف. وظایف شاگرد نسبت به معلم

1. ارج نهادن به استاد و تجلیل از مقام علم و دانش.

2. تواضع و فروتنی دانشجو در برابر استاد.

3. آراستن و پیراستن برون و درون به هنگام ورود بر استاد.
4. ارج نهادن به توضیحات استاد.
5. شاگرد نباید مانع استراحت استاد گردد.
6. شاگرد باید مراقب حرکات و حالات خود در محضر استاد باشد.
7. نادیده گرفتن سبق لسان و لغزش زبان استاد.
8. تمرکز حواس و استماع دقیق به سخنان استاد.
9. عدم تکرار سؤال های فرساینده و تلف کننده فرصت.
10. نباید از سؤال و پرسش به خاطر شرم و حیا، دریغ ورزید.

ب. وظایف معلم نسبت به شاگرد

1. معلم بایستی شاگردان را گام به گام به آداب دینی آیین مقدس اسلام آشنا و وادار سازد.
2. ایجاد شوق و دل بستگی به علم و دانش در شاگردان.
3. مواسات و دلسوزی معلم نسبت به شاگردان.
4. فروتنی و نرمش معلم نسبت به شاگردان.
5. تفقد از احوال دانشجویان.
6. اطلاع از نام و مشخصات شاگرد.
7. القای مطالب علمی باید درخور استعداد شاگردان باشد.
8. کوشش در تفهیم مطالب و رعایت استعداد شاگردان.
9. تشویق شاگردان به اشتغالات علمی و تحریر بر تکرار درس.
10. رعایت مساوات در توجه و محبت به شاگردان.

آثار و دستاوردهای مثبت و منفی نظامیه ها

الف. پیامدهای مثبت

1. پیشرفت و توسعه علم و دانش به ویژه علوم دینی ، بالاخص مذهب شافعی .
2. استفاده از اساتید برجسته و زبردست در این مدارس و تجلیل از آنها. (احترام به علما و دانشمندان در کمتر دورانی این چنین بوده است. مراسم استقبال از ابو اسحاق نماینده اعزامی مقتدی به خراسان و مراسم تشییع جنازه امام الحرمین در نیشابور و یک ماه عزاداری)

3. توجه و عنایت دانش پژوهان برای تحصیل در این مدارس از سراسر بلاد اسلامی.
4. توجه به رفاه اساتید و دانشجویان و تلاش برای تأمین معاش آنان.
5. پیدایش ضوابط آموزش برای امر تدریس و به وجود آمدن درجات معین و مخصوص برای اعضای گروه آموزشی این مدارس
6. . تاثیر در ایجاد دانشگاههای قدیم اروپا (سالرنو در ایتالیا) ، (بولونیا در پاریس) و (مونپلیه و اکسفورد) که همگی بعد قرن دوازدهم میلادی بوجود آمدند .
7. پدیداری نهضتی چشمگیر در توسعه و دامنه مدارس اسلامی دولتی در سراسر جهان اسلام. (بطوری که در سده ششم و هفتم هجری در کشورهای اسلامی کمتر نقطه ای یافت می شد که از مدارس دینی و مراکز علمی خالی باشد. بخصوص شام، مصر، مغرب، اندلس، ایران)

ب. پیامدهای منفی

1. توجه بیش از حد به مذهب شافعی و اختصاص نظامیه ها برای این فرقه و ممانعت از ورود دیگر فرقه ها به آن.
 2. اختصاص قسمت عمده درآمد کشور به مدارس نظامیه، آن هم فقط برای پیروان شافعی و عدم استفاده سایر گروه ها از امکانات موجود در آن. (مقابله با اسماعیلیه و شیعیان اثنی عشری)
 3. تلاش عده ای از اساتید دنیاپرست برای استفاده از مزایای مادی و دست یافتن آنان به مقامات دنیوی که حاضر بودند حتی مذهب خود را به شافعی تغییر دهند. (بدلیل اینکه مقامات و مسئولان از میان فارغ التحصیلان نظامیه ها انتخاب می شدند)
 4. تشدید مجادلات و مذهبی، تفوق گروه شافعی بر سایر فرق و گروه ها که این مسئله در تفرقه جوامع اسلامی در زمانی که مسلمانان نیاز مبرم به وحدت و انسجام داشتند.
 5. مبارزه سرسخت با برخی از دانش ها به ویژه فلسفه و علوم عقلی و بی توجهی به برخی از رشته های علمی¹⁹. بویژه شخص خواجه نظام الملک، غزالی مولف تهافت الفلاسفه و امام افضا الدین عمر بن علی بن غیلام که رساله حدوث العالم را در رد نظریات ابن سینا در مرو و نیشابور نوشت.
 6. توجه عمده خواجه نظام الملک به مذهب شافعی و اختصاص نظامیه به آن تعصب گروه های مذهبی دیگر را برانگیخت و باعث شد آنان در طرفداری از مذهب خود تلاش بیشتری نمایند.
- اکنون که جایگاه تعلیم و تربیت و اهمیت آن در اسلام و در نزد مسلمین بیان گردید، در پایان مناسب است برخی از آداب و وظایف شاگرد نسبت به معلم و هم چنین برخی از وظایف معلم نسبت به شاگرد را فهرست وار عنوان می کنیم.

¹⁹ خواجه نظام الملک - غزالی که در مخالفت او علی سینا و فارابی و رسایل اخوان الصفا تهافت الفلاسفه را تألیف کرد. امام افضل الدین عمر بن علی بن غیلان که رساله حدوث العالم را نوشت (علیه ابن سینا) مرو و نیشابور بود.

ج - نتیجه گیری :

با توجه به مطالب عنوان شده پیرامون نقش مسلمانان در پیدایش مدارس تا پایان قرن پنجم هجری به نتایج ذیل می رسیم :

1. دین مبین اسلام منزلت و جایگاه رفیعی برای علم و دانش قائل شده و تأکید زیادی بر مسئله تعلیم و تربیت که یکی از اهداف عمده انبیای الهی بوده، به عمل آورده است.

2. پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) و ائمه اطهار (علیهم السلام) در تحقق بخشیدن به تعلیم و تربیت و زدودن جهل و نادانی و شرك و كفر از انسان ها تلاش های بسیاری انجام دادند.

3. عنایت ویژه دین مبین اسلام به علم و عالم و تعلیم و تربیت و قلم و نوشتن باعث علاقه مندی مسلمین نسبت به ایجاد مکان های آموزشی و مدارس و توسعه آن می گردید.

4. مهم ترین روش پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) و ائمه اطهار (علیهم السلام) روش عملی بود که این عزیزان و بزرگواران خود به آنچه می گفتند، عمل می کردند.

5. تلاش های امامان (علیهم السلام) بعد از وجود رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) مخصوصاً در زمینه تعلیم و تربیت ادامه یافت و آنان با تربیت شاگردان ممتاز و تعلیم و تبیین اسلام مسئولیت خطیرشان را به نحو احسن انجام دادند.

6. مساجد در طول تاریخ از ابتدای صدر اسلام به بعد به عنوان یکی از مراکز عمده تعلیم و تربیت محسوب می شدند.

7. توسعه مساجد در عصر خلفای راشدین و به وجود آمدن مساجد بزرگ که عنوان جامع داشت بالطبع نقش عمده ای در تعلیم و تربیت و توسعه علم و دانش به ویژه علوم دینی در بر داشت.

8. تأسیس مکتبخانه ها گامی در پیشبرد تعلیم و تربیت بود و زمینه را برای خواندن و نوشتن و توجه به احکام دین و قرآن و برخی موارد دیگر به وسیله معلمین مربوطه آن فراهم کرد.

9. با تأسیس بیت الحکمه که مرکز علمی و فرهنگی بود، نهضت ترجمه آغاز گردید و مسلمانان به ترجمه کتب علمی که مربوط به سایر ملل بود همت ورزیدند که در توسعه و پیشرفت دانش نقش عمده ای داشت.
10. مسلمانان در انتقال علوم به اروپا نقش ارزنده و بی بدیلی را ایفا کردند.
11. تعداد مکتب های فلسفی و مذهبی و ضرورت تعلیمات کلاسیک و هم چنین افزایش طلاب و دانشجویان ضرورت نهضت احداث مدارس را فراهم کرد که این امر از اواخر قرن سوم هجری صورت گرفت.
12. احداث نظامیه ها باعث پدید آمدن يك رقابت شدید برای گسترش و توسعه مدارس گردید؛ به طوری که از نیمه دوم قرن پنجم هجری تا حمله مغول در نیمه دوم قرن هفتم مدارس زیادی در کشور پهناور اسلامی دایر گردید.

فهرست منابع و مآخذ

1. قرآن کریم ، ترجمه مهدی الهی قمشه ای.
2. ابن جبیر، سفرنامه، ترجمه پرویز اتابکی، 1375
3. ابن خطیب الاحاطه في اخبار غرناطه . جلد 1 ، 1386
4. ابن خلدون ، عبدالرحمن بن محمد . مقدمة ابن خلدون . ترجمه محمد پروین گنابادی . انتشارات علمی و فرهنگی . تهران : 1385 . (چاپ یازدهم) .
5. ابن منظور، لسان العرب ، ج 7 ، 1431
6. ابن ندیم ، محمد بن اسحاق . الفهرست . ترجمه محمد رضا تجدد . اساطیر، تهران، 1381.
7. احمد امینی ، ضحی الاسلام، ج 2 ، 1376
8. باقری بید هندی ، ناصر . احمد بن اسحاق ؛ امین امامت . مرکز نشر تبلیغات اسلامی ، تهران : 1376 (چاپ اول) .
9. دایره المعارف تشیع ، زیر نظر احمد صدر حاج سید جوادی و دیگران . نشر شهید سعید محبی . تهران : 1384 . (چاپ ششم) .
10. دو ماهنامه آئینه پژوهش، سال سوم ؛ شماره 5، سال 1384
11. دهخدا ، علی اکبر . لغت نامه دهخدا . انتشارات دانشگاه تهران ، تهران : 1372 .
12. جان احمدی . تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی . تهران . دفتر نشر معارف . چاپ دوم 1387 .
13. رشديه ، فخرالدین . تاریخ مدارس نوین در ایران (زندگی نامه پیر معارف رشديه) . انتشارات هیرمند ، تهران : 1370 . (چاپ اول) .
14. شیرخانی ، علی و زارع ، عباس . تحولات حوزه علمیه قم پس از پیروزی انقلاب اسلامی . انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی ، تهران : 1384 . (چاپ اول) .
15. صفا ، ذبیح الله . تاریخ ادبیات ایران . انتشارات ققنوس ، تهران : 1370، (چاپ هفتم) .
16. صفا ، ذبیح الله . تاریخ علوم عقلی در تمدن اسلامی (تا اواسط قرن پنجم) . انتشارات مجید ، تهران : 1384 (چاپ اول) .
17. ضوابطی ، مهدی . پژوهشی در نظام طلبگی . بنگاه ترجمه و نشر کتاب ، تهران : 1359 .
18. عبدالقادر نعیمی، الدارس فی تاریخ المدارس . ج 1 ، 1996
19. عزتی ، ابوالفضل ، آموزش و پرورش اسلامی . تهران : بعثت ، 1366،

20. غُئيمه ، عبدالرحيم . تاريخ دانشگاه های بزرگ اسلامی . ترجمه نورالله كسايي ، انتشارات دانشگاه تهران ، تهران : 1372 . چاپ دوم .
21. كسايي ، نورالله . مدارس وتأثيرات علمي واجتماعي آن . انتشارات امير كبير ، تهران : 1374 . (چاپ سوم) .
22. مدرسي ، سيد محمد تقى . حوزه های علميه ، طرحى نو بر پايه ارزشها . ترجمه حميد رضا آژير ، نشر بقیع ، قم : 1374 .
23. معين ، محمد . فرهنگ فارسى ج.1 . انتشارات امير كبير ، تهران : 1375 (چاپ دهم) .
24. مقریزی ، المواعظ و الاعتبار بذكر الخطط و الآثار ، ج 4 ص 199
25. نصر ، حسين . علم و تمدن اسلامي . ترجمه احمد آرام ، تهران : 1384 .
26. ياقوت حموى ، ياقوت بن عبدالله . معجم البلدان . ترجمه علينقى منزوى . ويراستار محمد جوزى ونادر كريمان . سازمان ميراث فرهنگى كشور ، معاونت فرهنگى . تهران : 1380 . (چاپ اول) .